

فرزند خواهی، فرزندآوری

چند دانه یاقوت



سیدعباس ساطوریان

مرکز مشاوره و روان‌درمانی ماوا



خانواده و ازدواج



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران
معاونت بهداشت
مدیریت توانی جمعیت سلامت خانواده و مدارس

مسابقه کتابخوانی

دانه های یاقوت

(ویژه عموم مردم شهرستان دزفول)

به مناسبت هفته ملی جمعیت

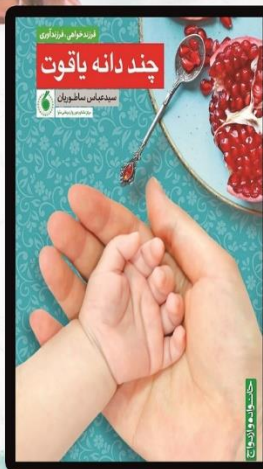
دریافت فایل کتاب و سوالات مسابقه از درگاه معاونت بهداشت

<https://behdasht.dums.ac.ir>

پاسخ مسابقه به صورت یک عدد ۸ رقمی همراه با نام و نام خانوادگی و
سن به شماره پیامک ۸۶۴۲۱۰۰۰۰۰

آخرین مهلت شرکت در مسابقه حداکثر تا ۱۴۰۳/۳/۴

به نفرات برتر به قید قرعه هدایایی اهدا خواهد شد



فصل دوم

تک فرزندی و چند فرزندی

- پدرها و مادرهایی که یک فرزند دارند، معمولاً چه ویژگی‌هایی دارند؟
- بچه‌هایی که تک فرزند خانواده هستند، معمولاً چه ویژگی‌هایی دارند؟
- بچه‌هایی که خواهر / برادر دارند، معمولاً چه ویژگی‌هایی دارند؟
- مشکلات رفتاری در کدام گروه از کودکان بیشتر است؟
- تعامل خواهرها و برادرها چه تأثیری بر رشد اجتماعی و عاطفی آنان می‌گذارد؟

تک فرزندی و چند فرزندی

■ خانواده‌های تک فرزند را می‌توان دو نوع دانست: «تک فرزندی طبیعی» و «تک فرزندی ارادی». تک فرزندی طبیعی که پیش‌ترها بیشتر رخ می‌داد، در اثر میل و خواسته خانواده‌ها نبود، بلکه شرایط، از جمله وضعیت نامساعد بهداشت و مرگ و میر فرزندان، سبب آن می‌شد. در دوران گذشته، الگوی غالب، خانواده‌های گسترده همراه با فرزندان زیاد بود. پس از اجرای سیاست کنترل جمعیت، نرخ باروری با سرعت بی‌سابقه پایین آمد؛ به طوری که میزان باروری کل (تعداد فرزندان زنده‌ای که هر زن در طول دوره باروری به دنیا می‌آورد) از $6/3$ فرزند به‌ازای هر زن در سال 1365 ، با شیبی تند در سال 1371 به 4 فرزند برای هر زن، در سال 1375 به $2/5$ فرزند، در سال 1379 به سطح جانشینی (حدود $2/1$)، در سال 1385 به زیر سطح جانشینی

(۱/۸۹) و در نهایت در سال ۱۳۹۰ به ۱/۷۵ فرزند به ازای هر زن کاهش، و به موازات این روند کاهنده، نسبت خانواده‌های تک‌فرزند افزایش یافت. آمار منتشرشده مرکز آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۵ نسبت تعداد خانوارهای تک‌فرزند به کل خانوارهای کشور ۱۳/۸ درصد بوده، که این نسبت در سال ۱۳۷۵ به ۱۷/۲ درصد و در سال ۱۳۸۵ به ۲۳/۹ درصد و در سال ۱۳۹۰ به ۲۸/۵ درصد افزایش یافته است. در جامعه امروز نگرش خانواده‌ها به فرزندآوری و تعداد فرزندان تغییر کرده،^۱ و خانواده‌ها به «تک‌فرزندی ارادی» گرایش پیدا کرده‌اند. این نوع تک‌فرزندی به دلیل شرایط نامساعد بهداشتی و مرگ‌ومیر بالا نیست، بلکه والدین به‌طور ارادی و دلخواه خود، به یک فرزند بسنده می‌کنند. این تغییر در ساختار خانواده و کاهش تعداد فرزندان، روابط درون خانواده را نیز تغییر داده است. خانواده‌های تک‌فرزند با محدودیت‌های ایفای نقش مواجه‌اند؛ زیرا حامل نقش فرزند، امکان ایفای نقش خواهر یا برادر را ندارد و از قابلیت‌ها و مهارت‌هایی که در روابط بین خواهر و برادران شکل می‌گیرد محروم است.^۲

مقایسه ویژگی‌های تک‌فرزندی‌ها با چندفرزندی‌ها

برخی از روان‌شناسان معتقدند زمان اصلی رشد و تربیت کودک، همان سال‌های اول زندگی است و بخش عمده شخصیت کودک، در سال‌های

۱. مرکز آمار ایران (۱۳۹۲). بررسی پدیده تک‌فرزندی با استفاده از نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، ص ۲۵.
۲. جواد شجاعی و بهجت یزدخواستی، «تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندی»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۶، ش ۴، ص ۴۴۸.

پیش از مدرسه شکل می‌گیرد؛ از این رو محیط رشد کودک در سال‌های ابتدایی می‌بایست سالم و غنی باشد. یکی از عوامل بسیار مهم و بی‌بدیلی که سبب غنی‌شدن محیط رشد کودکان در خانواده می‌شود، خواهران و برادران و تعامل با آنهاست. در صورتی که محیط خانواده به لحاظ تعدد فرزندان، غنی باشد، کودکان و نوجوانان به دلیل تعامل بیشتر با همدیگر، در ابعاد عاطفی، اخلاقی و اجتماعی، رشد، پختگی و مهارت‌های بیشتر و بهتری خواهند داشت.

نتایج پژوهش‌های تجربی و مشاهدات بالینی نشان می‌دهد فرزندان در خانواده‌های مختلف و حتی فرزندان یک خانواده از نظر ویژگی‌های عاطفی، شخصیتی و خصوصیات رفتاری مانند میزان سازگاری و مشکلات رفتاری (مشکلات درونی‌سازی، مانند اضطراب و وسواس و مشکلات برونی‌سازی مانند نافرمانی و پرخاشگری) با یکدیگر متفاوت‌اند؛^۱ همچنین تک‌فرزندا و فرزندان اول بیش از فرزندان میانی و آخر خانواده، ممکن است مبتلا به مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده بشوند.^۲ بنابراین تعداد فرزندان در یک خانواده بر ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری آنها نقش مهمی می‌تواند داشته باشد. در اینجا نخست ویژگی‌های روان‌شناختی تک‌فرزندا و در ادامه ویژگی‌های روان‌شناختی چندفرزندی‌ها را بیان می‌کنیم.

۱. جوان بخت و محمودی، «مقایسه گرایش‌های اضطرابی و وسواسی فرزندان اول با فرزندان وسط و آخر خانواده»، اندیشه و رفتار، ۱۳۸۹، ش ۱۶، ص ۲۸۶-۲۷۶؛ سیدعباس ساطوریان، مقایسه ابعاد والدگری، رابطه والد-کودک و مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند (پایان نامه)، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸۱۶۳.
۲. سیدعباس ساطوریان و همکاران، «مقایسه مشکلات درونی و برونی‌سازی شده کودکان در خانواده‌های تک و دو فرزند»، فصلنامه روان‌شناسی و دین، ۱۳۹۳، ص ۸۰۶۵.

تعامل با خواهران و برادران موجب رشد بهتر کودکان می‌شود.

خانواده‌های تک‌فرزند با محدودیت‌های ایفای نقش مواجه‌اند.

تک‌فرزندی‌ها

تک‌فرزندان چه ویژگی‌هایی دارند؟ بچه‌هایی که خواهر/برادر دارند، چه خصوصیاتی دارند؟ آیا تک‌فرزند یا چندفرزند بودن، به خودی خود می‌تواند مزایا یا معایبی برای فرزند یا فرزندان و والدین داشته باشد؟ والدینی که تک‌فرزند دارند، چه ویژگی‌هایی ممکن است داشته باشند؟ نخست ویژگی‌های والدین تک‌فرزند و در ادامه، ویژگی‌های فردی و میان‌فردی تک‌فرزندان و چندفرزندان را می‌کاویم.

معمولاً والدین تک‌فرزند، کنترل‌گری یا حمایت افراطی دارند.

ویژگی‌های والدین تک‌فرزند

۱. کنترل شدید یا حمایت افراطی

به‌طور معمول یکی از ویژگی‌های والدین تک‌فرزند، کنترل شدید یا حمایت افراطی تک‌فرزندشان است که می‌تواند تبعاتی برای پدر و مادر و تک‌فرزند آنها داشته باشد. در توجه افراطی، ممکن است والدین خود را وقف انجام دادن کارهای فردی و شخصی فرزند کرده، زیاده‌روی کنند. این شیوه، توقع تک‌فرزند از دیگران را افزایش داده، انتظار دارد دیگران نیز ابزاری جهت تأمین منافع او باشند. در کنترل شدید نیز استقلال و اراده فرزند نادیده گرفته شده، فرصت آزادی، تجربه‌های مفید و رشد متناسب از او سلب می‌شود.

۲. انتظارات افراطی

این ویژگی به انتظارات والدین در قبال سرمایه‌گذاری همه‌جانبه برای تنها فرزندشان اشاره دارد. وقتی همه امکانات و توجه در خانواده به یک

نفر اختصاص دارد، به همین میزان سطح انتظارات و توقعات از او نیز بالا می‌رود. والدین می‌کوشند آرزوهای دست‌نایافته خود را در تنها فرزندشان تحقق بخشیده، یا تنها فرزندشان به دلیلی امکاناتی که در اختیار دارد، آرزوها و انتظارات آنها را برآورده کند. در بسیاری از مواقع، انتظارات والدین، با توانایی و ظرفیت واقعی فرزند سازگار نیست.^۱

۳. اضطراب

در خانواده‌های تک‌فرزند، والدین و فرزند احساس نیاز شدیدی به یکدیگر دارند. پدر و مادر همواره در اضطراب‌اند که مبادا اتفاقی برای فرزندشان بیفتد، مبادا تنها فرزندشان را از دست بدهند یا در آینده آن‌گونه که دوست دارند موفق نشود. با ازدواج و مستقل شدن تک‌فرزند، والدین تنها و افسرده می‌شوند؛ حال آنکه در خانواده‌های پرجمعیت، این رخداد منفی دیده نمی‌شود. زمانی که تعداد فرزندان بیشتر از یک یا دو فرزند باشد، پدر و مادر در تلاشی مستمر برای رسیدگی به فرزندان، از یک زندگی پویا و پرتحرک لذت برده، آثار و برکات تلاش خود را در شور و نشاط حاصل از رشد و بالندگی فرزندان خود می‌بینند.^۲

نگرانی والدین درباره فرزند امری طبیعی است؛ اما گاهی نگرانی والدین افراطی شده، بستر آزار و اذیت آنها و فرزندشان را فراهم می‌کند.

۱. جواد شجاعی و بهجت یزدخواستی، «تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندی»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۶، ش ۴، ص ۴۵۵.
۲. منصور رمضان‌خانی، «برهم خوردن توازن نسلی در کشور»، ماهنامه حلقه وصل (ویژه‌نامه نسل ششم انقلاب)، ص ۹۲.

پدر و مادر تک‌فرزند، همواره در اضطراب‌اند.

در خانواده‌های تک‌فرزند، مشکلات جزیی فرزند، اشتغال ذهنی زیادی برای پدر و مادر پدید می‌آورد. مادر با مشاهده کوچک‌ترین آسیب یا بیماری فرزندش، سراسیمه و آشفته می‌شود یا هر رفتار به ظاهر غیرمعمول و غیرعادی کودک را نشانه‌ای از بروز مشکل رفتاری یا اخلاقی او می‌داند. پدر نیز با بروز کم‌ترین مشکل در زندگی، مضطرب می‌شود. گاهی توجه به جزئیات رفتاری در این‌گونه خانواده‌ها، سبب درگیری‌های کم‌اهمیت در خانواده نیز می‌شود.

بررسی ویژگی‌های تک‌فرزندها

در اینجا ویژگی‌های تک‌فرزندها و چندفرزندی‌ها را در قالب خصوصیات فردی (ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری) و میان‌فردی (مسئولیت‌پذیری، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، خودخواهی، محبوبیت میان دوستان، وقت‌گیر بودن، عملکرد اجتماعی) بررسی می‌کنیم:

توجه به جزئیات رفتاری سبب درگیری در خانواده‌های تک‌فرزند می‌شود.

جدول ۱: مقایسه تک‌فرزندها با چندفرزندی‌ها در ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری

تعداد فرزند	ویژگی‌ها	
تک فرزندها	شناختی	توجه به جزئیات، تقلید و رفتارهای بزرگ‌تر از سن خود، موفقیت و پیشرفت نسبی تحصیلی، علاقه مند به قانون
	عاطفی	وابستگی، پرتوقع، خودمحوری، تحمل ناپذیری، احساس تنهایی، اعتماد به نفس کمتر، اضطراب، بلوغ زودرس / دیررس، ترس از طرد، احساس گناه، تمایز ناپذیرگی، نشاط، امید و رضایت از زندگی کمتر
	رفتاری	سازگاری کمتر، مشکلات رفتاری درونی‌سازی و پرونی‌سازی شده بیشتر، پیگردی جایگزین‌های ناکارآمد بودن
چند فرزندها	شناختی	استقلال فکری، وضعیت بهتر هوشی، عملکرد بهتر در وظایف اجتماعی، شناختی، هوش معنوی و هوش هیجانی بالاتر
	عاطفی	اجتماعی‌تر، روابط مثبت، استقلال، اعتماد به نفس، عدم احساس تنهایی، احساس خودارزشمندی
	رفتاری	نشاط، سازگاری، مشکلات رفتاری کمتر، خودکنترلی بالاتر
تک فرزندها	میان‌فردی	سازگاری پایین‌تر، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی ضعیف‌تر، خودخواهی، محبوبیت و مقبولیت کمتر، وقت‌گیر بودن، عملکرد اجتماعی ضعیف‌تر، مسئولیت‌پذیری پایین در خانواده، احساس مسئولیت بیشتر نسبت به دیگران
چند فرزندها	میان‌فردی	مستقل بودن و عدم وابستگی در روابط با دیگران، روحیه تعامل و همکاری، مهارت‌های اجتماعی، سازگاری، تعامل مؤثر با والدین و خواهر/برادران

وضعیت چندفرزندی‌ها از تک‌فرزندها مطلوب‌تر است.

۱. ویژگی‌های فردی

ویژگی‌هایی که در پی خواهد آمد، ویژگی‌هایی است که به‌طور معمول با توجه به نتایج پژوهش‌ها و مشاهدات بالینی، در تک‌فرزندها و چندفرزندی‌ها دیده می‌شود، هرچند برخی از این ویژگی‌ها، تأثیرات با واسطه تک‌فرزند یا چندفرزند بودن در خانواده است.

الف) ویژگی‌های شناختی

کودکان تک‌فرزند ممکن است پیش از زمان معمول، سخن بگویند، از والدین خود تقلید کرده، همچون بزرگسالان رفتار کنند؛ به‌گونه‌ای که تحسین و تعجب دیگران را برانگیزند.^۱ در خانواده‌های چندفرزندی، کودک به دلیل یادگیری از برادر و خواهر بزرگ‌تر خود می‌تواند در سنین پایین‌تری از ضمیرها و مفاهیم پیچیده استفاده کند و نیز از برادر و خواهر خود راحت‌تر زبان را یاد بگیرد. تجربه ویژه تک‌فرزندان، تعامل بیشتر با والدین و بزرگسالان است؛ اما آنها از داشتن تعامل و رقابت با برادران و خواهران محروم‌اند. تک‌فرزندان به جزئیات پدیده‌ها توجه زیادی نشان می‌دهند. گاهی توجه زیاد آنها به جزئیات و جمع‌آوری بسیار زیاد اطلاعات، سبب می‌شود نتوانند به جمع‌بندی کاملی از آنها دست یابند و در نتیجه، کلیت امور را از دست بدهند و به اضطراب دچار شوند.^۲

هرچند برابند برخی از پژوهش‌ها^۳ نشان می‌دهد تک‌فرزندان نسبت به

تعامل با خواهر و برادر موجب می‌شود کودکان راحت‌تر زبان یاد بگیرند.

فرزندانی که خواهر یا برادر دارند از نظر هوش و کارایی در سطحی مطلوب‌تر هستند و از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردارند، اما در مقابل، برخی دیگر معتقدند فرزندان دوم به بعد، از نظر هوشی وضعیت بهتری نسبت به تک‌فرزندان و فرزندان اول دارند. یافته‌های پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد دختران خانواده‌های تک‌فرزند، پذیرش اجتماعی و هوش هیجانی پایین‌تری نسبت به دختران خانواده‌های چندفرزند دارند^۴ و همچنین، هوش معنوی و هوش هیجانی دختران چندفرزند بیشتر از دختران تک‌فرزند است.^۵

شناخت اجتماعی در کودکان خانواده‌های چندفرزند، بیشتر از خانواده‌های تک‌فرزند است؛ زیرا تعاملات و بازی‌هایی که بین خواهران و برادران رخ می‌دهد، آنان را با مفاهیم متضادی روبه‌رو می‌کند و تجربه مکرر با این تناقضات سبب می‌شود آنان در باورهای خود تجدیدنظر کنند؛ از این رو این امر سبب می‌شود شناخت اجتماعی در کودکانی که خواهر و برادر دارند افزایش یابد. کودکان زمان قابل توجهی از دوران کودکی را با یکدیگر سپری می‌کنند. این واقعیت سبب می‌شود آنان از تجارب یکدیگر بهره‌برده، به درک بهتری از احساسات و عواطف خود و دیگران برسند.

شناخت اجتماعی در کودکان خانواده‌های چندفرزند، بیشتر از خانواده‌های تک‌فرزند است.

۱. حسن احدی و شکوه السادات بنی جمال، روان‌شناسی رشد کودک، ص ۸۹.

۲. معصومه کریمی، مقایسه میزان پذیرش اجتماعی، هوش معنوی و هوش هیجانی در بین دختران تک‌فرزند و چندفرزند دبیرستان‌های شهر شاهرود، (۱۳۹۴)، پایان‌نامه ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود - دانشکده علوم انسانی.

۳. سهیلا قربانی و دیگران، مقایسه هوش معنوی، هوش هیجانی و هوش اخلاقی در دانش‌آموزان تک‌فرزند و چندفرزند دبیرستان‌های دخترانه شهرستان آمل، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در روان‌شناسی، مشاوره و علوم تربیتی، اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شادگان، ۱۳۹۵.

۱. علی جعفری، یک‌دونه‌های درون‌گرا، ماهنامه حلقه وصل (ویژه‌نامه نسل ششم انقلاب)، ص ۹۳.

۲. الهام شیرازی، تک‌فرزندی، ص ۱۳۱.

۳. Wang, C., Fan, C. (۱۹۹۵). Comparison of personality traits of only and sibling school children Beijing. Journal of Genetic Psychology, ۳۸۵-۲۷۷, (۴)۱۵۵.

ب) ویژگی‌های عاطفی

یک) وابستگی

هر خانواده‌ای می‌کوشد بر اساس ارزش‌ها و باورهای خاص خود فرزندانش را تربیت کند. چگونگی تربیت و نگاه‌داری از فرزند طیف گسترده‌ای دارد. در خانواده‌های تک‌فرزند، افراط و تفریط (وابسته/مستقل) که در واقع دو سر یک طیف‌اند دیده می‌شود. افراط در محبت و یا کنترل بیش از حد فرزند، می‌تواند آسیب‌هایی مانند وابستگی و عدم استقلال را در پی داشته باشد. تک‌فرزند ممکن است فردی وابسته تربیت شود؛ زیرا پدر و [بیشتر] مادر می‌کوشند از روی دلسوزی یا محبت همه کارهای تنها فرزندشان را انجام دهند و در مقابل، تک‌فرزند برای انجام کارهایش به تنهایی تلاش نمی‌کند و همین سبب وابستگی او می‌شود.

تک‌فرزند ممکن است فردی وابسته تربیت شود.

از مسائلی که سبب وابستگی شدید والدین و تک‌فرزند می‌شود، ترس از دست دادن تک‌فرزند است. والدینی که دائم می‌ترسند آسیبی به فرزندشان برسد یا او را از دست بدهند، فعالیت‌های او را محدود می‌کنند، به او اجازه نمی‌دهند به کوچه، حیاط یا منزل دوستانش برود، نمی‌گذارند با آنها تعامل و بازی کند و نمی‌گذارند به طور مستقل کارهای روزمره خود را انجام بدهد. این والدین، مانع رشد طبیعی و همه‌جانبه فرزندشان می‌شوند و به او فرصت نمی‌دهند مهارت‌های مختلف زندگی را بیاموزد.

دو) پرتوقع بودن

مهیا بودن همه امکانات، رقیب نداشتن، معطوف بودن تمام توجه و محبت پدر و مادر به تک‌فرزند و حکمرانی او در خانواده، هرچند می‌تواند از

مزایای تک‌فرزندی باشد، اما ممکن است سبب پرتوقع شدن و خودخواهی او نیز بشود. چنانچه همه امکانات در خدمت تک‌فرزند باشد، شاید بر اثر تربیت نادرست و عدم تجربه ناکامی بهینه، انتظارات تک‌فرزند به گونه نامناسب رشد کند. در چنین مواقعی، تک‌فرزند در مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی زندگی، روزمره، سرخورده می‌شود.^۱

از تک‌فرزند معمولاً «بچه لوس» یاد می‌کنند؛ زیرا در او تلفیقی از نشانه‌های نامطلوب مانند وابستگی، خودستایی، عدم خویشتن‌داری و اختلالات عاطفی دیده می‌شود.^۲ تک‌فرزندان از یک سو همه توجه و محبت مادی و معنوی پدر و مادر را به خود جلب می‌کنند و از سوی دیگر، والدین انتظار و توقع جدی و متناسب از آنها نخواهند داشت و به آنها مسئولیت نمی‌دهند. همین امر سبب می‌شود لوس و پرتوقع بار بیایند.^۳

سه) خودمحوری

موافقت و علاقه افراطی والدین، حس خودبینی و از خودراضی بودن را در تک‌فرزندشان پدید می‌آورد.^۴ آدلر معتقد است تک‌فرزندها خودخواه‌تر از دیگران‌اند و در دوران بزرگسالی نیز همانند کودکی خود، شدیداً در پی

۱. جواد شجاعی و بهجت یزدخواستی، «تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندی»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۶، ش ۴، ص ۴۵۶.

۲. علی مصباح و دیگران، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ص ۸۷.

۳. تک‌فرزندی مسائل ویژه خود را دارد. بچه‌ها در طول رشد خود نباید تنها باشند؛ چرا که حضور خواهر و برادر به رشد روانی آنها کمک زیادی می‌کند. بچه‌هایی که به تنهایی بزرگ می‌شوند بسیار متوقع هستند. کسانی که یک فرزند دارند باید وقت زیادی برای او صرف کنند و با این حال نمی‌توانند جایگزین دوستان و خواهر و برادری باشند که فرزندشان نیاز دارد. سیما فردوسی، «تک‌فرزندان پرتوقع‌اند»، ماهنامه حلقه وصل (ویژه‌نامه نسل ششم انقلاب)، ص ۹۳.

۴. کارل پیکهارت، کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند، ترجمه مسعود حاجی زاده، ص ۴۷.

عدم تجربه ناکامی بهینه موجب لوس شدن فرزند می‌شود.

آن‌اند که مرکز توجه باشند؛ از این‌رو احتمال بیشتری هست که ضربات شدید روانی را تجربه کنند.^۱ تک‌فرزندان نیاز دارند دیگران از ارزش‌ها و کفایت‌های آنها در جایگاه فردی مفید که دستاوردهای پرمهری دارد، آگاه بوده، آنها را قبول داشته باشند. آنها دوست دارند دیگران ضعف‌ها و کاستی‌هایشان را به نوعی آشکار نکنند که سبب تحقیرشان شود.^۲ معمولاً تک‌فرزندان فقط به برقراری روابطی علاقه نشان می‌دهند که دربرگیرنده منافع آنان باشد و احساساتشان را جریحه‌دار نکند. خودمحوری تک‌فرزندان در خانواده، سبب می‌شود در عرصه‌های بیرون از خانه که محور توجه نیستند، آسیب روانی ببینند.^۳

■
آدلر: تک‌فرزندها
خودخواه‌تر از
دیگران‌اند.

چهار) عدم تاب‌آوری

تاب‌آوری، عاملی انعطاف‌پذیری و مقابله مؤثر با عوامل و موقعیت‌های تنش‌زا، و یکی از ویژگی‌های سلامت روان و سازگاری است و از طریق سطوح عواطف مثبت سبب تقویت عزت نفس و مقابله موفق با تجربه‌های منفی می‌شود. حال با توجه به اینکه والدین تک‌فرزند بیشتر مواقع فرزندانشان را از تجربه هیجانات و احساسات منفی دور کرده، و یا امکان آشکارشدن این نوع احساسات را برای آنها فراهم نمی‌کنند، تحمّل آنها در برابر این نوع احساسات و هم‌چنین رویارویی با مشکلات ضعیف خواهد شد که این خود سبب کاهش تاب‌آوری این افراد می‌شود.

۱. دوان شولتز و سیدنی آلن شولتز، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ص ۱۴۸.

۲. الهام شیرازی، تک‌فرزند، ص ۱۷.

۳. فاطمه بیاتی، مقایسه سازگاری عاطفی، اجتماعی، آموزشی و همدلی مادران و دختران در بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزند و چندفرزند مقطع راهنمایی شهر تهران (پایان نامه)، ص ۲۹.

هرچه حمایت والدین از تک‌فرزندانشان بیشتر شود، قدرت تحمل آنها در رویارویی با مشکلات کاهش می‌یابد و از این‌رو بسیار شکننده و آسیب‌پذیر می‌شوند. در واقع توجه افراطی والدین به این کودکان سبب تقویت غرور کاذب در آنها شده، توقعاتشان را بالا می‌برد که این، تحمل شکست و ناکامی‌ها را برای آنان در جامعه دشوار می‌کند.

کودک یا نوجوانی که تنها فرزند خانواده است، به‌طور طبیعی کمتر با مشکلات روبه‌رو شده، در معرض تجربه‌کردن شکست، ناکامی و رانده‌شدن قرار نمی‌گیرد و شرایطی که لازمه بلوغ روحی - روانی است را تجربه نمی‌کند. اگر والدین از تک‌فرزندشان افراطی مراقبت کرده، او را به فردی ضعیف و کم‌تحمل تبدیل کنند، فرزندشان از دیگران نیز چنین رفتاری را انتظار دارد که این موضوع، ناتوانی او را شدت خواهد داد. برای نمونه، چنان‌چه به تک‌فرزند توهین شود، بی‌آنکه قصد و غرضی در کار باشد، این توهین رفتاری عمدی و به‌پشتوانه نیتی خاص تفسیر می‌کنند، یا چنان‌چه از مسئله‌ای رنجیده‌خاطر شوند، این حالت را تا مدت‌های مدید در درون خود زنده نگاه می‌دارند.

پنج) احساس تنهایی

«تنهایی» به حالتی ناخوشایند و منفی اشاره دارد و از مقایسه روابط بین فردی موجود با وضعیت مطلوب ادراک می‌شود که اغلب افراد می‌کوشند از آن اجتناب کنند. تک‌فرزندان در این باره می‌گویند: «ناخوشایندترین تجربه تک‌فرزندگی همان تنهابودن است». احساس تنهایی، تجربه‌ای است که در اثر کمبود

■
حمایت بیشتر
والدین موجب
کاهش تاب‌آوری
فرزندان می‌شود.

تماس‌های اجتماعی، احساس صمیمیت یا حمایت در روابط اجتماعی پدید می‌آید. در صورتی که شمار ارتباطات صمیمی موجود در خانواده کمتر از حد مطلوب باشد، روابط درون خانوادگی انتظارات فرزند را تأمین نکرده، به دنبال دیگران می‌رود و اگر تعامل با دیگران رضایت‌بخش نباشد، احساس تنهایی می‌کند.^۱

در خانواده تک‌فرزند گاهی کودک احساس می‌کند زیر ذره‌بین والدین است و کوچک‌ترین رفتار او از نظر آنان پنهان نمی‌ماند. این حس از آنجا که کودک، خود را در کانون توجه می‌بیند و احساس تنهایی نمی‌کند، ارزشمند است، اما جنبه‌ای منفی هم دارد؛ زیرا او خود را در محاصره می‌بیند و کوچک‌ترین خطای وی از نظر والدینش پنهان نمی‌ماند.^۲

تک‌فرزندها معمولاً به برقراری روابطی علاقه‌مندند که دربرگیرنده منافع آنان باشد و احساسات‌شان را نیز جریحه‌دار نکند. آنها ممکن است ناراحتی‌های خود را به دیگران نگویند و درون‌گرا شوند. کودکانی که خواهر و برادر دارند، روابط مثبت بیشتر، اعتماد به نفس بالاتر و احساس تنهایی کمتری دارند. تعامل با خواهر و برادر تجربه بسیار متفاوتی است که تک‌فرزندان از آن محروم‌اند؛ از این رو احساس تنهایی بیشتری می‌کنند که برایشان تحمل‌شدنی نیست. بچه‌ها وقتی در جمعی باشند که هم‌سن و سال خود را در آن نیابند، خیلی زود خسته شده، برای رهایی از احساس تنهایی کارهایی می‌کنند که در بسیاری از موارد از نظر تربیتی مضر است. یکی از آنها رفیق شدن با تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای و به تعبیری دقیق‌تر معتاد شدن به فضای مجازی است.

۱. جواد شجاعی و بهجت یزدخواستی، «تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندی»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۶، ش ۴، ص ۴۵۷.

۲. کارل پیکه‌هارت، کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند، ترجمه مسعود حاجی زاده، ص ۴۰.

شش) اعتماد به نفس

ممکن است تک‌فرزندان از نظر اعتماد به نفس با دیگران تفاوتی نداشته باشند، ولی از آنجا که اغلب می‌کوشند والدین خود را راضی نگه دارند، روند شکل‌گیری و تقویت اعتماد به نفس در آنها متفاوت است. نوع واکنش والدین به عملکرد تک‌فرزندشان، اثر بسزایی در اعتماد به نفس آنها دارد. تک‌فرزندان بخش زیادی از اعتماد به نفس را از محیط خارج، از دستاوردهای کارهایشان و از پذیرفته شدنشان به دست می‌آورند. هر زمان که تک‌فرزندان احساس کنند بی‌کفایت شده، توجه و تأیید دیگران را از دست داده‌اند، احساس کاهش اعتماد به نفس، ناامنی، ناامیدی و اضطراب خواهند کرد و ممکن است به بی‌تمایلی به برقراری ارتباط، بی‌تفاوتی و گوشه‌گیری دچار شوند.

هفت) ضعف در روابط احساسی

ضعف در روابط احساسی، به ناتوانایی افراد در هدایت رفتارهای هیجانی اشاره دارد و سه درون‌مایه فرعی «احساسات تجربه‌نشده»، «پنهان‌کاری حالات درونی» و «زودرنج و حساس بودن» را دربرمی‌گیرد. احساسات تجربه‌نشده، احساساتی است که تک‌فرزند امکان تجربه آنها را نداشته است. تک‌فرزندها کسی را ندارند تا با او رقابت یا بازی و دعوا کنند. آنها دوست و همدمی در منزل ندارند؛ از این رو برخی از احساسات را تجربه نکرده، فرصتی برای عقلانی‌کردن و مدیریت آنها نخواهند داشت.^۱

«پنهان‌سازی حالات درونی» حکایت از این دارد که تک‌فرزند برای

۱. کارل پیکه‌هارت، کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند، ترجمه مسعود حاجی زاده، ص ۴۰.

تک‌فرزندان
بخش زیادی از
اعتماد به نفس
خود را از محیط
خارج می‌گیرند.

پیشگیری از ناراحتی والدین، از گفتن واقعیت طفره می‌رود یا می‌کوشد مسائل و مشکلات خود را بروز ندهد و احساسات خود را پنهان کند.

«زودرنج و حساس بودن» به میزان تحمل پایین تک‌فرزند در دستیابی به خواسته‌ها اشاره دارد. حمایت شدید و دائمی از تک‌فرزند و تأمین خواسته‌های او، ممکن است میزان تحملش در دستیابی به خواسته‌هایش را کاهش دهد. در هر حال، رویدادهای منفی، بخشی اجتناب‌ناپذیر از زندگی است؛ بنابراین کنار آمدن با احساسات منفی که این رویدادها ایجاد می‌کنند، برای روابط اجتماعی مناسب، حیاتی است.^۱



تک‌فرزندان معمولاً زودرنج و حساس‌اند.

هشت (بلوغ زودرس یا دیررس

بخشی از تجربیات تک‌فرزندان در قالب «بلوغ زودرس یا دیررس» قابل درک است. تک‌فرزند در شرایط طبیعی می‌تواند فرایند بلوغ را همانند دیگران طی کند؛ اما از آنجاکه آنان در واقع هم‌سن‌وسالی ندارند که با آنها بچگی کنند و همیشه با بزرگسالان (پدر و مادر، و گاهی پدربزرگ و مادربزرگ) سروکار داشته، حتی با آنها بازی می‌کنند، زودتر از کودکان دیگر رفتارهای بزرگسالانه و بالغانه نشان می‌دهند؛ از این‌رو معمولاً بلوغ زودرس دارند.^۲

از سوی دیگر، بلوغ روحی و روانی، پدیده‌ای کاملاً ارثی نیست، بلکه پدیده‌ای اکتسابی است. این بلوغ، مواردی همچون شناخت خود، میزان

۱. جواد شجاعی و بهجت بیزخواستی، «تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزند»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۶، ش ۴، ص ۴۶۳.

۲. سیدعلی آل‌یاسین و سمیه فریدونی، «مقایسه مثبت‌نگری، امید به زندگی و رضایت از زندگی بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزندی و چندفرزندی»، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۹۵، ش ۱۱، ص ۴۹.

واقع‌بینی و انتخاب مؤثر را شامل می‌شود و به راحتی به دست نمی‌آید، بلکه به تجربه‌های سخت و طاقت‌فرسا نیاز دارد. کودک تک‌فرزند، کمتر با مشکلات مواجه شده، در معرض شکست و ناکامی و رانده شدن قرار نمی‌گیرد؛ از این‌رو شرایطی که لازمه بلوغ روحی-روانی است را تجربه نمی‌کند. همان‌گونه که گفتیم آنها دوست و همدمی در منزل ندارند تا برخی از احساسات را تجربه کرده و فرصتی برای عاقلانه کردن و کنترل و مدیریت آنها داشته باشند؛^۱ بنابراین ممکن است برخی از تک‌فرزندان دیرتر از هم‌سن‌وسالان خود به بلوغ و پختگی برسند.



نه (ترس از طرد

تک‌فرزندان به دلیل نداشتن خواهر یا برادر، والدین خود را خواهر یا برادر تصور می‌کنند. در چنین خانواده‌ای والدین تنها همدم فرزندشان‌اند. این کودکان برای اینکه پذیرفته شوند، می‌کوشند رضایت والدین خود را جلب کنند؛ یعنی همان رفتاری که یک کودک با دوستان خود دارد. این‌گونه تطبیق دوستانه برخاسته از ترس است و کودکان را زیر فشار روانی می‌گذارد؛ زیرا چنان‌چه این تطبیق انجام نشود، ممکن است انتقاد شده، طرد شوند یا همواره زیر فشار مخالفت دیگران باشند. کودکان تک‌فرزند درمی‌یابند که تقلید از والدین، تحسین آنان را در پی دارد و سرپیچی از برخی خواسته‌های والدین، سبب از دست دادن موقت چنین موقعیتی است.

یکی از مشکلات تک‌فرزندان، این است که والدینشان تنها همدم آنها

۱. کارل پیکهارت، کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند، ترجمه مسعود حاجی زاده، ص ۲۲.

تک‌فرزندان ممکن

است بیشتر دچار

بلوغ زودرس

یا دیررس شوند.

در محیط خانه‌اند؛ از این رو با تقلید از آنها و ازدست دادن استقلال شخصیتی خویش، می‌کوشند رضایت آنها را جلب کنند که این فرایند سبب می‌شود تک‌فرزندان زیر فشار باشند. بسیاری از والدین تک‌فرزند، متوجه نمی‌شوند که چه تأثیر عمیقی بر تنها فرزند خود دارند و فرزندشان چه فشاری را تحمل می‌کند تا شبیه والدین خود بشود و رضایت آنها را به دست آورد. وجود چند فرزند در خانواده سبب می‌شود تمایل فرزندانشان به جلب رضایت والدین کاهش یابد و از این فشار روانی و احساس منفی طرد، رهایی یابند.^۱

ده) احساس گناه

بسیاری از تک‌فرزندان، با مشاهده هر مشکلی در خانواده عذرخواهی می‌کنند بدون اینکه نقشی در پیدایش آن مشکل داشته باشند. آنها می‌گویند: «چون من در مرکز توجه والدینم هستم، اگر آنها دچار مشکلی شوند، گمان می‌کنم که من نیز در آن نقشی داشته‌ام. اگر من حالم خوب باشد آنها هم خوشحال‌اند. پس اگر آنها ناراحت شدند باید از من ناراحت باشند. بنابراین، مسئولیت خوشحال کردن و رفع ناراحتی آنها به عهده من است». تک‌فرزندی که رابطه‌ای صمیمانه با والدین خود دارد، به توافق نداشتن والدین خود نیز حساس است و می‌کوشد به آن پایان دهد. او خود را بین طرفین دعوا محصور می‌بیند و فشار روانی زیادی را تحمل می‌کند. والدین یا تک‌فرزند در مواقعی که نمی‌توانند وظیفه خود را به درستی انجام دهند، احساس گناه می‌کنند و گاهی نیز برای تسلیم کردن یکدیگر، احساس گناه طرف مقابل را برمی‌انگیزند.^۲

۱. کارل پیکه‌هارت، کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند، ترجمه مسعود حاجی زاده، ص ۲۲.

۲. کارل پیکه‌هارت، کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند، ترجمه مسعود حاجی زاده، ص ۲۲.

یازده) نشاط، امید و رضایت از زندگی

هرچند میزان رضایت از زندگی، مثبت‌اندیشی و امید تک‌فرزند به طور متوسط بالاست، اما چندفرزندی‌ها رضایت از زندگی، امید و مثبت‌اندیشی بالاتری دارند. تک‌فرزندان به دلیل تنها بودن و نداشتن خواهر یا برادر در خانواده و نبود رابطه نزدیک با همسالان و همالان و از طرفی نیاز به برقراری رابطه بیشتر با همسالان و کسب تجارب تازه از آنان که لازمه زندگی اجتماعی فرزندانشان است و به طور غیرمستقیم در میزان شادی و رضایت خاطر و به تبع آن، امید به فردای بهتر تأثیرگذار است، از نشاط و رضایت کمتری برخوردارند؛ اما در خانواده‌های چندفرزند میزان شادی، رضایت از زندگی و امید به آینده بیشتر است.^۱

تک‌فرزند تصور می‌کند او مسئول ناراحتی پدر و مادرش می‌باشد.

تک‌فرزندان وقتی آگاه می‌شوند در خارج از خانواده، مانند مدرسه، کانون توجه نیستند، به مشکلاتی دچار می‌شوند؛ زیرا یاد گرفته‌اند نه تقسیم کنند نه رقابت. بنابراین اگر توانایی‌های آنها توجه و تأیید کافی را به ارمغان نیاورد، احتمالاً احساس ناامیدی خواهند کرد؛ حال آنکه در خانواده‌های چندفرزند، احساس پشتوانه با داشتن خواهر/برادر سبب نشاط بیشتر و تقویت دید مثبت به زندگی و افزایش امیدواری در فرزندانشان می‌شود.

دوازده) تمایز نیافتگی

یکی از ویژگی‌هایی که در اثر روابط درون خانواده شکل می‌گیرد، تمایز نیافتگی است. خانواده، نخستین پایگاه شکل‌گیری شخصیت، اساسی‌ترین عامل

۱. سیدعلی آل یاسین و سمیه فریدونی، «مقایسه مثبت‌نگری، امید به زندگی و رضایت از زندگی بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزندی و چندفرزندی»، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، ش ۱۱، ص ۵۳.

پدیدآورنده تمایز یافتگی و استقلال فرد است. بوئن معتقد است در جامعه انسانی نوعی نیروی زندگی هست که ریشه غریزی داشته، کودک روبه رشد را به شخصی دارای عواطف مستقل تبدیل می کند که می تواند تفکر، احساس یا عمل داشته باشد. در واقع این نیرو، افراد را به تمایز یافتگی سوق می دهد. هم زمان نیروی دیگری نیز که آن هم ریشه غریزی دارد، کودک و خانواده را به حفظ پیوندهای هیجانی یا باهم بودن می کشاند. در نتیجه این نیروهای تعادلی، هیچ کس به جدایی هیجانی کامل از خانواده نمی رسد؛ اما از لحاظ مقدار تمایز، تفاوت های قابل ملاحظه ای وجود دارد. هم چنین از لحاظ استقلال هیجانی که فرزندان یک خانواده به آن می رسند نیز اختلاف هایی وجود دارد.^۱

در میان خانواده های تک فرزند، صمیمیت عمیقی برقرار است و زمینه رقابت با خواهران و برادران فراهم نیست و همه توجه والدین به کودک معطوف است. همین توجه افراطی والدین می تواند باعث وابستگی شدید عاطفی بین والد و کودک شود. در این خانواده ها انتظار بیشتری از کودک دارند. این کودکان همه عمر خود را تحت فشار والدین برای موفقیت در زندگی^۲ در چنین روابط حساس و پراضطرابی، تک فرزندان از آزمودن احساساتی که در روابط درون خانواده شکل می گیرد محروم می مانند؛ از این رو خودمختاری آنها کاهش می یابد. به طور طبیعی استقلال عاطفی نوجوانان چند فرزند نسبت به نوجوانان تک فرزند بیشتر است. در واقع این

۱. فیهیمه قاندى و ديگران، «تمایز یافتگی و تفکر ارجاعی»، فصلنامه شناخت اجتماعی، ش ۹، ص ۳۳-۴۹.
۲. مریم رضایی تزنگی، بررسی مقایسه استقلال عاطفی و دلبستگی نوجوانان خانواده های تک فرزند و چند فرزند مادران شاغل و غیر شاغل شهر شیراز (پایان نامه)، ۱۳۹۲.

در خانواده های چند فرزند میزان شادی، امید و رضایت از زندگی بیشتر است.

افراد همراه با استقلال در روابط بین فردی، سطحی از تمایز یافتگی را نشان می دهند که بیانگر میزان بلوغ عاطفی آنهاست.

افزون بر این، افراد تمایز یافته، از هیجانات خود آگاه، و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت و توانایی رشد مستقل در روابط صمیمی اند و در روابط عمیق، آرامش و راحتی خود را حفظ می کنند؛ در حالی که افراد کمتر تمایز یافته به هم جوشی با دیگران متمایل شده، و یا به جدایی عاطفی تن می دهند؛ از این رو هنگام رویارویی با صمیمیت عاطفی، واکنش اضطرابی نشان می دهند. همچنین این افراد از سطح سلامت روانی، اجتماعی، خودکنترلی پایین تر و مشکلات عاطفی بیشتری رنج می برند. تمرکز افراطی والدین بر کودک یکی از مشکلات خانواده های تک فرزند است که این تمرکز باعث تمایز نیافتگی از ایگوی خانواده و شکل گیری اضطراب مزمن و بروز مشکلات رفتاری در آنها می شود.^۱

سیزده) کمال طلبی

آرزوهای بلند، همواره دام هایی در راه والدین و تک فرزندان می گستراند. یکی از دام های والدین، برطرف کردن محرومیت ها یا تحقق آرزوهای دست نیافته خود از طریق تنها فرزندان شان است و تلاش برای دست یافتن به آرزوهای والدین و بی عیب و نقص بودن در همه کارها و برنامه ها از دام های تک فرزندان است که به کمال گرایی منجر خواهد شد. وقتی والدین همه توجه خود را به تنها فرزندشان معطوف می کنند، فشاری را به او منتقل می کنند که سبب می شود همه تلاش خود

۱. فاطمه قره باغی و دیگران، «تمایز یافتگی و نشانه های اضطراب مزمن در سیستم هیجانی خانواده»، فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ش ۱، ص ۲۲-۲۰.

تمایز یافتگی در چند فرزندها بیشتر از تک فرزندهاست.

را به گونه مطلوب به کار گیرد و انتظارات والدین را برآورد تا ثابت کند شایستگی این همه توجه را دارد. این نوع تلاش برای کامل و بی نقص بودن، فشار دوگانه‌ای را به کودک تحمیل می‌کند: بی عیب و نقص بودن (پرهیز از اشتباه به هر قیمتی) و همیشه عالی بودن (فرار از شکست و ناکامی به هر قیمتی).

ایده آل‌هایی چون اصرار بر کامل بودن، مانند شمشیری دولبه است؛ هم می‌تواند تشویق و تحریک‌کننده باشد و هم عامل یأس و ناامیدی. ایده آل بودن، انتظار واقع‌بینانه‌ای نیست؛ زیرا هر انسانی ممکن است خطا کند؛ ولی کودک تک‌فرزند ممکن است نتواند غیر واقعی بودن این نوع ایده آل‌گرایی را تشخیص دهد و از این رو فشار روانی و اضطراب دردآوری را تجربه کند. احساس همه یا هیچ، از ویژگی‌های مشترک کودکان تک‌فرزند است. اگر کودکی به آرمان‌های خود نرسد، صرف‌نظر از میزان تلاش خود، احساس ناکامی شدیدی خواهد کرد. این نوع احساس ناکامی و ناامیدی ممکن است تا بزرگسالی، یعنی هنگامی که خود را ملزم به تأمین آرزوهای بلندپروازانه خود یا والدین ندانند، ادامه داشته باشد.^۱ در برخی مواقع نیز این کمال‌طلبی جزو ویژگی‌های شخصیتی فرد شده، همیشه با او خواهد ماند.

پ) ویژگی‌های رفتاری

یک) مشکلات رفتاری درونی و برون‌سازی‌شده

تک‌فرزندی‌ها در مقایسه با چندفرزندی‌ها، مشکلات رفتاری درونی و برون‌سازی‌شده بیشتری دارند.^۲ در تعریف مشکلات رفتاری کودکان، آن دسته

۱. کارل پیکهارت، کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند، ترجمه مسعود حاجی زاده، ص ۹۷-۱۰۱.
۲. سیدعباس ساهوریان، مقایسه ابعاد والدگری، رابطه والد - کودک و مشکلات رفتاری کودکان در

از رفتارها ناهنجار است که ضمن بی‌تناسبی با سن، شدید، مزمن یا مداوم باشند. گستره این دسته، مشکلات برونی و درون‌سازی‌شده را دربرمی‌گیرد.

همان‌گونه که نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد، میزان نظارت، انضباط متناقض یا بی‌ثبات و تنبیه جسمانی در خانواده‌های تک‌فرزند بیشتر از دیگر خانواده‌هاست. والدین تک‌فرزند یا به دلیل ویژگی‌های تک‌فرزندشان و یا استفاده بیشتر از سبک یا مهارت‌های خاص والدگری، مانند کنترل‌گری، توجه و حمایت افراطی، زمینه بروز مشکلات رفتاری درون‌سازی، مانند اضطراب و افسردگی و مشکلات برون‌سازی‌شده، مانند پرخاشگری، نافرمانی و قانون‌شکنی را فراهم خواهند کرد که با دخالت عوامل مؤثر دیگر، مانند شاغل بودن هر دو والد، استرس والدگری، فقدان مهارت‌های اجتماعی به دلیل عدم تعامل و بازی با خواهر و برادر و همسالان و احساس تنهایی و وابستگی، بر میزان این مشکلات افزوده خواهد شد.

تک‌فرزندها بیشتر از دیگران به اختلالات اضطرابی دچار می‌شوند. این می‌تواند به دلیل مسئولیت‌پذیری بیش از حد و حس کمال‌گرایی آنان باشد. این حس که باید هر کاری را به بهترین نحو ممکن انجام بدهند، همیشه در هر کاری بهترین باشند، نظر مثبت دیگران را جلب کنند و آنان را از خود راضی نگه دارند و اینکه گرفتن تأیید دیگران خیلی برایشان مهم است، سبب اضطراب در آنان می‌شود؛ چرا که دائم بیم دارند که شکست خورده،

خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند (پایان نامه) ص ۱۶۳-۱۶۸، همو و دیگران، «مقایسه مشکلات درونی و برون‌سازی‌شده کودکان در خانواده‌های تک و دو فرزند»، روان‌شناسی و دین، ۱۳۹۳، ش ۳۷، ص ۸۰-۶۵.

۱. سیدعباس ساهوریان، مقایسه ابعاد والدگری، رابطه والد - کودک و مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند (پایان نامه)، ۱۳۹۲.

احساس همه یا هیچ، از ویژگی‌های مشترک کودکان تک‌فرزند.

آرزوهای والدین و بی‌عیب و نقص بودن در همه کارها و برنامه‌ها از دام‌های تک‌فرزندان است.

نتوانند موفق شوند.^۱ افزون بر این، تک‌فرزنده‌ها نگرانی زیادی دربارهٔ وضعیت والدین خود، به‌ویژه در آیندهٔ نزدیک دارند. زمانی که کنار والدین نیستند یا می‌خواهند برای تحصیل یا ازدواج از آنها فاصله بگیرند، این اضطراب که ناشی از نگرانی تنهایی والدینشان است بیشتر نمایان می‌شود.

تجربه‌ای گرانبها: برخی خانواده‌ها تک‌فرزندی را عاملی برای کاهش هزینه‌ها می‌دانند؛ اما از تبعات کوتاه‌مدت و بلندمدت آن غافل‌اند. یکی از معلم‌های دورهٔ ابتدایی دربارهٔ برخی مشکلات رفتاری کودکان تک‌فرزند معتقد است:

تجربهٔ سال‌ها فعالیت در دورهٔ ابتدایی به من ثابت کرده دانش‌آموزانی که تک‌فرزند هستند قدرت کمتری برای برقراری ارتباط با دیگران دارند. این بچه‌ها به‌طور معمول در کلاس درس با دیگر دانش‌آموزان ارتباط چندانی برقرار نمی‌کنند و همیشه منزوی هستند. حتی وقتی از دانش‌آموزان می‌خواهم که در کلاس درس با یکدیگر کار مشترک انجام دهند، افراد تک‌فرزند توفیق چندانی در کار گروهی و مشارکت با دیگران ندارند. در مواقعی نیز مشاهده کرده‌ام که این نوع بچه‌ها نمی‌توانند حق خود را در برابر دیگران بگیرند و همواره در موضع ضعف قرار می‌گیرند و همین باعث می‌شود دیگران بیشتر به آنها زور بگویند. بروز نابهنجاری رفتاری در تک‌فرزندان بیشتر است. گرایش به انزوا، افسردگی و ضعف در برقراری ارتباط با همسالان، توجه بیش از حد به بازی‌های رایانه‌ای و انفرادی، ترس یا تنفر از حضور در گروه‌های اجتماعی از جمله خصوصیات تک‌فرزندهاست.^۲

زندگی در کنار برادر یا خواهر، روحیهٔ جامعه‌گرایانهٔ کودک را تقویت کرده،

۱. الهام شیرازی، تک‌فرزندی، ص ۲۸.

۲. شایان شفیع، «بچه‌های تک و توک»، ماهنامهٔ حلقهٔ وصل (ویژه‌نامهٔ نسل ششم انقلاب)، ص ۸۹.

مدیریت در روابط اجتماعی را به وی می‌آموزد. همدلی و همسویی با افراد خانواده، عشق‌ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم‌سن در جامعه و مدرسه، اصلی‌ترین ویژگی‌های فرزندان در خانواده‌های چندفرزند است.^۱

دو جایگزین‌های ناکارآمد

تک‌فرزندان در جست‌وجوی جایگزین یا جبران‌اند. «در جست‌وجوی جبران»، مجموعه‌ای از روابط و جایگزین‌هاست که تک‌فرزند در غیاب روابط خواهر/برادری به آنها متوسل می‌شود. این مجموعه می‌تواند بسته به شرایط تک‌فرزند متفاوت باشد. «رابطهٔ عمیق با والدین»، «روابط فAMILI» و «روابط دوستی» نمونه‌هایی از آن است. گاهی تک‌فرزندها «فرزندخواندگی» را وسیله‌ای برای جبران و ایجاد نوعی رابطهٔ صمیمی پایدار دانسته، می‌کوشند والدین خویش را برای پذیرش فرزندخوانده متقاعد کنند. یکی دیگر از راهبردهای جبران، حضور در «کلاس‌های متعدد» است. گاه تک‌فرزند برای جبران، به «دنیای تخیل» پناه برده، در افکار و تصوراتی غرق می‌شود که واقعی نیست. برخی از تک‌فرزندها نیز به «دنیای مجازی» پناه می‌برند. برخی نیز ممکن است تنهایی خود را با «فعالیت‌های سازنده» مانند خاطره‌نویسی، نقاشی و خواندن کتاب پر کنند.

در روابط جایگزین، کیفیت روابط شایستهٔ توجه است. روابط اعضای خانواده اغلب عاطفی و همراه با حس قوی و مملو از درگیری متقابل است؛ درحالی‌که روابط با دوستان و دیگر افراد بیرون از خانواده معمولاً بیشتر عملی

۱. شایان شفیع، «بچه‌های تک و توک»، ماهنامهٔ حلقهٔ وصل (ویژه‌نامهٔ نسل ششم انقلاب)، ص ۸۹.

افراد تک‌فرزند
توفیق چندانی
در کار گروهی
و مشارکت با
دیگران ندارند.

تک‌فرزندها بیشتر
از دیگران به
اختلالات اضطرابی
دچار می‌شوند.

یا کارکردی است. افراد در صورتی که روابط اولیه حمایتی نداشته باشند، به سراغ روابط مرتبه پایین تر می روند. در غیاب روابط اولیه خانوادگی (روابط خواهر/برادری) روابط مرتبه پایین تر، مانند دوستی، می تواند جانشین جبرانی روابط خانوادگی شود؛ اما هر کدام از روابط، کارکردهای خاص خودشان را دارند و کارکردهای یک نوع فقط تاحدی می تواند با نوع دیگر جبران شود و یا ممکن است اصلاً جبران نشود. بنابراین، تجربه زندگی تک فرزندان نشان می دهد نیاز به روابط اجتماعی یکی از نیازهای مهم انسانی است و هنگامی که این نیاز به درستی برآورده نشود، ارضای خلأ ایجاد شده به طرق مختلف جست و جو خواهد شد.^۱

۲. ویژگی های میان فردی

ویژگی های میان فردی، ویژگی هایی است که جنبه اجتماعی داشته، در سایه ارتباط با دیگران مطرح می شوند. در اینجا شش ویژگی میان فردی تک فرزندان را مرور می کنیم.

الف) سازگاری

یکی از پیامدهای تک فرزندی، تأثیر آن بر کیفیت رشد کودک است. تک فرزندان دوست و همدمی در منزل ندارند تا با او مشارکت، رقابت، بازی و حتی دعوا کنند؛ بنابراین برخی از احساسات را مانند چند فرزندان تجربه نمی کنند و فرصتی برای تجربه، کنترل و مدیریت آنها نخواهند داشت.

۱. جواد شجاعی و بهجت یزدخواستی، «تجربه زیسته تک فرزندان از تک فرزندی»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۶، ش ۴، ص ۴۶۱-۴۵۹.

گرچه برخی معتقدند از آنجا که تک فرزندان، بیشتر بین بزرگسالان رشد کرده، با آنها سروکار دارند، زودتر از دیگر کودکان رفتارهای بالغانه از خود نشان می دهند^۱، اما براینده برخی از پژوهش ها نشان می دهد تک فرزندان، خودخواه، غیراجتماعی، ناسازگار، متکبر و ترسویند^۲ و چند فرزندان گرایش بیشتری به سازگاری اجتماعی دارند.

ب) مهارت های ارتباطی و اجتماعی

تک فرزندان در مقایسه با چند فرزندان هم سن و سال خود، مهارت های ارتباطی و اجتماعی ضعیف تری دارند.^۳ زندگی در خانواده ای که حداقل یک فرزند دیگر هم هست، هر چند ممکن است فرزندان با یکدیگر متعارض باشند، مفیدتر است؛ زیرا کودک از تجربه این تعارضات در دوران کودکی، اطلاعات اساسی و مهم مدیریت حل تعارضات را به دست می آورد.

به طور معمول، کودکان شیوه سازگاری با دیگران و رابطه صمیمانه با گروه های اجتماعی را ابتدا در محیط خانواده و به خصوص در کنش متقابل با خواهران و برادران، بهتر از هر موقعیت دیگر فرامی گیرند و تک فرزندان به دلیل محرومیت از این امکان در خانواده، در فراگیری سازگاری اجتماعی با دشواری روبه روست. برخی به راحتی دعوا و تعارضات خواهر و برادری را

۱. الهام شیرازی، تک فرزندی، ص ۲۸.

۲. Zhang, Y., & Geldoph, A. Kohnstamm, M. & Ping, chong cheung, & Sing Lau. (۲۰۰۱). A new look at the old little emperor; developmental changes in the personality of only children in China. Social Behavior and personality. ۲۹، (۷)، ۷۲۵-۷۳۲.

۳. سمانه مرادی، مقایسه مشکلات رفتاری کودکان تک فرزند و چند فرزند با توجه به عامل جمعیت شناختی والدین (پایان نامه). ص ۱۳.

داشتن روابط اجتماعی یکی از نیازهای مهم تک فرزندان است.

دلیل ظلم شدن به بچه‌ها در خانواده‌های چندفرزند می‌دانند و حکم به تک‌فرزندی با فاصله سنی زیاد بین فرزندان می‌کنند! گرچه هر نوع دعوا و تعارضی میان بچه‌ها مطلوب نیست، اما به‌طور کلی، تعارضات و رقابت میان بچه‌ها در خانواده‌های چندفرزند، می‌تواند به منزله کارگاه آموزش شیوه تعاملات اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی باشد.

تک‌فرزندان اعتماد بین فردی بالایی دارند و دیگران آنان را افرادی حمایت‌گر، کمک‌کننده و تشویق‌کننده می‌دانند.^۱ آنان اهل ارتباط برقرار کردن اند؛ ولی ممکن است در ارتباط‌های اجتماعی خود به درجاتی از اضطراب دچار شوند. آنها به ارزیابی اجتماعی از خودشان اهمیت زیادی داده، همیشه نگران کفایت خود و نحوه پذیرش و ارزیابی دیگران اند و دوست دارند عملکردشان از نظر اجتماعی خوب، مناسب و بی نقص باشد؛ همین مسئله می‌تواند آنها را در موقعیت‌های اجتماعی به اضطراب دچار کند.^۲

بسیاری از تک‌فرزندها در رقابت‌های اجتماعی آسیب‌پذیر و کم‌تحمّل‌ترند؛ زیرا آنها پیش از این، نه تنها در محیط خانواده با دیگران رقابت نکرده‌اند، بلکه همیشه بدون زحمت در کانون توجه بوده، به خواسته‌های خود رسیده‌اند. احتمال اجتماعی شدن و توانایی تک‌فرزندان برای تعامل با دیگران کمتر است؛ اما هنگامی که با دیگر فرزندان رشد کنند، بسترو شرایط اجتماعی شدن برایشان فراهم‌تر است؛ البته به شرط آنکه بین فرزندان اختلاف سنی زیادی نباشد تا ارتباط‌ها و تعامل مؤثر میان آنها برقرار شود.

۱. الهام شیرازی، تک‌فرزندی، ص ۱۵.
۲. فاطمه بیانی، مقایسه سازگاری عاطفی، اجتماعی، آموزشی و همدلی مادران و دختران در بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزند و چندفرزند مقطع راهنمایی شهرستان (پایان نامه)، ص ۲۹.

پ) مسئولیت‌پذیری

گفته می‌شود تک‌فرزندان خود را مسئول زندگی دیگران می‌دانند. آنها ممکن است بیش از حد، احساس مسئولیت کرده، حتی برای رخدادهایی که تحت کنترل آنها نبوده است، خود را مقصر دانسته، احساس گناه کنند. گرچه برخی معتقدند مسئولیت‌پذیری در تک‌فرزندان بیشتر از دیگران است، اما در خانواده‌های تک‌فرزند، تمایل والدین به حمایت از تک‌فرزندشان، مانع از آن می‌شود که فرزندان عواقب و پیامد اشتباهات خود را ببینند و مسئولیت عمل خود را بپذیرد. آنها معمولاً از فرزندان انتقاد نکرده، با او مخالفت نمی‌کنند و همواره تسلیم خواسته‌های اویند تا ناراحت نشود. این والدین می‌گویند: «فرزندمان هم مثل ما دوست ندارد ناراحت شود؛ بنابراین با هم معامله می‌کنیم تا هیچ‌یک از ما آزار نبیند». حمایت بیش از حد این والدین، فرزند را با روحیه حساس و ضعیف تربیت می‌کند.

ت) محبوبیت و مقبولیت

برای کودکانی که در سن مدرسه‌اند، توانایی‌های ورزشی نقش مهمی در اجتماعی شدن آنها دارد. این توانایی‌ها سبب مقبولیت و محبوبیت بیشتر آنها در گروه هم‌سن‌وسالان می‌شود. این احتمال وجود دارد که چون تک‌فرزندان خواهر یا برادری که با او بازی کنند نداشته‌اند، توانایی کمتری در بازی‌های ورزشی و پرتحرک گروهی داشته باشند و در نتیجه آنها را به فعالیت‌های تک‌نفره سوق دهد.^۳

۱. الهام شیرازی، تک‌فرزندی، ص ۱۵.
۲. الهام شیرازی، تک‌فرزندی، ص ۱۵.

بسیاری از تک‌فرزندها در رقابت‌های اجتماعی آسیب‌پذیر و کم‌تحمّل‌ترند.

تک‌فرزند چنان‌چه پیش از ورود به مدرسه، موقعیتی مناسب برای فراگیری سازگاری و مهارت‌های اجتماعی نداشته باشد، هنگام ورود به مدرسه با کودکانی برخورد می‌کند که از نظر عادت‌ها و خصوصیات رفتاری و اخلاقی بسیار با او متفاوت‌اند. این تفاوت می‌تواند برای وی مشکل‌ساز باشد؛ البته برخی معتقدند بیشتر این‌گونه کودکان در طی سال‌های دبستان، سازگاری مطلوب اجتماعی را فراگرفته، به حدی از محبوبیت نزد همسالان می‌رسند.^۱

ث) وقت‌گیر بودن

یکی از معایب بزرگ تک‌فرزندی، وقت‌گیر بودن آن است. برخلاف تصور برخی که گمان می‌کنند بچه‌های زیاد وقت بیشتری را از والدین می‌گیرند، داشتن چند فرزند سبب می‌شود والدین وقت کمتری را برای بازی با بچه‌ها بگذارند. بهترین کسانی که وقت بچه‌ها را پر می‌کنند، خود بچه‌هایند؛ البته تعداد زیاد بچه‌ها در صورتی می‌تواند در وقت والدین صرفه‌جویی کند که فاصله سنی آنها زیاد نباشد. فاصله سنی زیاد سبب می‌شود درک بچه‌ها از موقعیت سنی یکدیگر کم باشد و نتوانند هم‌بازی هم باشند. فراموش نکنیم اگر پدر و مادری سه فرزند با فاصله سنی زیاد از همدیگر داشته باشند، در واقع، سه تک‌فرزند دارند که دنیای متفاوتی دارند و رشد آنها، انرژی بیشتری از والدین می‌گیرد؛ در مقایسه با سه فرزند که تفاوت سنی زیادی با همدیگر ندارند. کودک، به‌ویژه در زیر هفت سال، یا در حال بازی است یا در حال خوردن و آشامیدن یا در حال استراحت؛ از این‌رو وقت قابل توجهی از شبانه‌روز کودک به بازی اختصاص می‌یابد. در خانواده‌های تک‌فرزند،

۱. حسن احدی و شکوه السادات بنی‌جمالی، روان‌شناسی رشد، ص ۹۳.

همه بار این حجم از بازی روی دوش پدر و مادر است؛ درحالی‌که به‌طور طبیعی بسیاری از والدین حوصله و وقت کافی برای این‌اندازه بازی با کودک را ندارند.^۱

ج) عملکرد اجتماعی

برخی معتقدند تک‌فرزندان چون بیشتر با بزرگسالان معاشرت داشته‌اند، در روابط اجتماعی موفق‌تر و پخته‌تر عمل می‌کنند؛ اما مطالعات و مشاهدات بالینی نشان می‌دهد کودکان تک‌فرزند، فقط به برقراری روابطی علاقه‌مندند که به نفع آنان باشد و احساسات‌شان را جریحه‌دار نکند و ممکن است ناراحتی‌های خود را برای دیگران بیان نکرده، فردی درون‌گرا شوند.^۲ تک‌فرزندان نسبت به افراد دیگر وقت کمتری را با دوستان‌شان می‌گذرانند. آنان بیشتر به فعالیت‌های تک‌نفره تمایل دارند. دوستی‌های آنها محدود ولی عمیق است. تک‌فرزندان اهل ارتباط با دیگران‌اند؛ ولی ممکن است در ارتباط‌های اجتماعی به درجاتی از اضطراب دچار شوند. آنها همیشه نگران کفایت خود و نحوه پذیرش و ارزیابی دیگران از عملکردشان‌اند.^۳

چند فرزندها

ویژگی‌های چندفرزندها

۱. ویژگی‌های فردی

برایند مطالعات نشان می‌دهد از آنجاکه خواهران / برادران اوقات زیادی را با هم می‌گذرانند، کیفیت تعاملات‌شان، در رشد شناختی، عاطفی و رفتاری بسیار تأثیرگذار است.

۱. محسن عباسی‌ولدی، من دیگر ما، ص ۴۶.

۲. علی جعفری، یک‌دونه‌های درون‌گرا، ماهنامه حلقه وصل (ویژه‌نامه نسل ششم انقلاب)، ص ۹۲.

۳. الهام شیرازی، تک‌فرزند، ص ۱۶.

■ مهارت‌های چندفرزندان موجب محبوبیت آنها و مقبولیت آنها در گروه همسالان می‌شود.

■ حمایت افراطی از تک‌فرزند، مانع مسئولیت‌پذیر شدن او می‌شود.

الف) ویژگی‌های شناختی

چندفرزندی‌ها مهارت‌های شناختی بیشتری داشته، احساسات، هیجانات و دیدگاه‌های دیگران را بهتر درک می‌کنند. اینان هوش معنوی و هوش هیجانی بیشتر^۱ و استقلال فکری بالاتری دارند. به‌طور معمول فرزندان دوم به بعد، از نظر هوشی وضعیت بهتری نسبت به تک‌فرزندان و فرزندان نخست دارند. شناخت اجتماعی چندفرزندان بیشتر از تک‌فرزندان است.^۲ محققان دریافتند کودکانی که برادر و خواهر بزرگ‌تری دارند، در مقایسه با کودکان دیگر، در وظایف اجتماعی - شناختی و آزمون نظریه ذهن که مستلزم آگاهی از حالات درونی و تفاوت در دیدگاه‌هاست، عملکرد بهتری دارند.^۳

کودکان

تک‌فرزند، فقط

به برقراری روابطی

علاقه‌مندند که

به نفع آنان باشد.

ب) ویژگی‌های عاطفی

درباره روابط خواهران و برادران، اگر فقط بر رقابت برای جلب محبت و توجه والدین تمرکز کنیم، خیلی از وجوه رابطه آنها که بر رشد اجتماعی - هیجانی کودکان و نظام خانواده تأثیر گذار است را از دست می‌دهیم. افزون بر رنجش احتمالی، یک پیوند دوستی، و همدمی عاطفی نیز بین همسیران خردسال پدید می‌آید و آنها درباره احساسات، رقابت سازنده و الگوهای پذیرفتنی رفتار اجتماعی، مهارت‌های قابل توجهی از یکدیگر می‌آموزند.^۴ کودکان چندفرزند،

۱. معصومه کریمی، مقایسه میزان پذیرش اجتماعی، هوش معنوی و هوش هیجانی در بین دختران تک‌فرزند و چندفرزند (پایان نامه)، ۱۳۹۴.

۲. زهرا کریمیان و دیگران، «مقایسه شناخت اجتماعی کودکان دختر خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند ۷ و ۷ ساله شهر اصفهان»، دو فصلنامه شناخت اجتماعی، ش ۲، ص ۴۱.

۳. Sherman, A. M., Lansford, J. E., & Voling, B. L. (۲۰۰۶). Sibling relationships and best friendships in young adulthood: Warmth, conflict, and well being personal relationships, ۱۶۵-۱۵۱, (۲)۱۳.

۴. سوزان بی کمپبل، مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی، ترجمه سعید صیادللو، ص ۱۴۷.

به دلیل تعامل با یکدیگر، روابط مثبت‌تر، استقلال و اعتماد به نفس بالاتر و احساس تنهایی کمتری دارند.^۱ افزون بر این، مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتری دارند، ارزش بیشتری برای خود قائل‌اند و اجتماعی‌ترند.

پ) ویژگی‌های رفتاری

چندفرزندان با تعامل با همدیگر، فرصتی برای کشف و رشد مهارت‌های اجتماعی، بیان احساسات و ایجاد همدلی به دست می‌آورند. این نوع از تعاملات برای کمک به خواهر/برادران ضروری است تا آنها بیاموزند در موقعیت‌ها و روابط مختلف، رفتاری مؤثر داشته باشند.^۲

چندفرزندی‌ها

مهارت‌های

شناختی

بیشتری دارند.

میزان مشکلات درونی‌سازی‌شده، مانند اضطراب و افسردگی، در چندفرزندان نسبت به تک‌فرزندان به مراتب کمتر است. چندفرزندان به دلیل تعامل با همدیگر و عدم حمایت شدید یا کنترل‌گری زیاد از طرف والدین، استقلال بیشتری دارند و معمولاً به وابستگی دچار نمی‌شوند.^۳ چندفرزندان به لحاظ اجتماعی با دیگران آسان‌تر درآمیخته می‌شوند و نشانه‌های کمتری از افسردگی، تنهایی و ناامیدی نشان می‌دهند.^۴

۱. Sherman, A. M., Lansford, J. E., & Voling, B. L. (۲۰۰۶). Sibling relationships and best friendships in young adulthood: Warmth, conflict, and well being personal relationships, ۲(۱۳), pp ۱۶۵-۱۵۱.

۲. کرامر و کوال، ۲۰۰۵، نقل از سیدعباس ساطوریان، مقایسه ایجاد والدگری، رابطه والد - کودک و مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند (پایان نامه)، ص ۱۹۰.

۳. میلوسکی، ۲۰۰۵، نقل از سیدعباس ساطوریان، مقایسه ایجاد والدگری، رابطه والد - کودک و مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند (پایان نامه)، ص ۱۸۶.

۴. الهه عزیزی، بررسی پیوندهای خانوادگی کودکان مبتلا به ADHA و مقایسه آن با کودکان عادی (پایان نامه)، ص ۶.

۲. ویژگی‌های میان‌فردی

همان‌گونه که در جدول (۱) نیز دیده می‌شود، ویژگی‌های میان‌فردی، آن دسته از ویژگی‌هایی است که جنبه اجتماعی دارند و هنگام تعامل و ارتباط با دیگران خود را نشان می‌دهند. در ادامه، این دسته از ویژگی‌های چندفرزندی‌ها را مرور می‌کنیم.

الف) استقلال

چندفرزندان از نظر شخصیتی انسان‌های مستقلی‌اند که در زندگی، زیاد به دیگران تکیه نمی‌کنند. آنها در محیط پرجمعیت خانواده یاد می‌گیرند باید همه تلاششان را به کار بگیرند و از استعداد خویش بهره ببرند و می‌دانند که از خانواده نباید بیش از یک زمینه‌ساز و کمک‌کار انتظار داشته باشند؛ اما تک‌فرزندان انگیزه کمتری برای تلاش دارند؛ زیرا همه امکانات خانواده در اختیار آنان است؛ از این رو به شدت وابسته به خانواده بارآمده، استقلال شخصیت خود را از دست می‌دهند.

ب) روحیه تعامل و همکاری

چندفرزندان در مقایسه با تک‌فرزندان، روابط مثبت‌تری با دیگران برقرار می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد تک‌فرزندان، بیشتر خودمحورند؛ درحالی‌که چندفرزندان خصوصیات مثبتی مانند استقلال فکری، روحیه

۱. جیانو و دیگران، ۱۹۸۶؛ شرمن، لنفورد و والینگ، ۲۰۰۶، نقل از فاطمه بیاتی، مقایسه سازگاری عاطفی، اجتماعی، آموزشی و همدلی مادران و دختران در بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزند و چندفرزند مقطع راهنمایی شهر تهران (پایان نامه)، ص ۲۹.

همدلی و همسویی با افراد خانواده، عشق‌ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم‌سن در جامعه و مدرسه، روحیه همکاری و منزلت بیشتری در میان همسالان خود دارند.

پ) مهارت‌های اجتماعی

از مطالعاتی در خصوص مهارت‌های اجتماعی، این نتیجه به دست آمده است که تک‌فرزندها پرخاشگرو مخرب‌ترند، در بین گروه دوستان، محبوبیت کمتری دارند و بیشتر قربانی می‌شوند؛ درحالی‌که چندفرزندان مهارت‌های اجتماعی و همکاری بیشتری در گروه دوستان از خود نشان داده‌اند.^۱ از آنجاکه چندفرزندان اوقات زیادی را با هم می‌گذرانند، کیفیت تعاملات آنها تأثیر مهمی در رشد آنها دارد. برخی معتقدند تأثیر روابط چندفرزندان بر همدیگر، از روابط والدین بر فرزندان بیشتر است؛ زیرا در گستره زندگی چندفرزندان اشتراکات بیشتری در قیاس با والدین وجود دارد. همچنین ادعا شده روابط بین چندفرزندان، پیش‌الگوی همه اقسام روابط اجتماعی آنهاست. این‌گونه مطالعات نشان می‌دهد به جز والدین، خواهران و برادران نیز در اجتماعی‌شدن کودکان نقشی مهم دارند.^۲

ت) سازگاری

بی‌گمان کودک شیوه سازگاری با دیگران و ایجاد رابطه صمیمانه با گروه‌های اجتماعی را در محیط خانواده و به خصوص در کنش متقابل با

۱. Dunn, J.

۲. سوزان بی کمپبل، مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی، ترجمه سعید صیادللو، ص ۱۵۴.

■ میزان افسردگی، تنهایی و ناامیدی در چندفرزندی‌ها کمتر است.

■ چندفرزندی‌ها از استقلال و اعتماد به نفس بالاتری برخوردارند.

خواهران و برادران، بهتر از هر موقعیت دیگر فرامی‌گیرد و تک‌فرزند به دلیل محرومیت از این امکان، در فراگیری سازگاری و مهارت‌های اجتماعی با دشواری روبه‌روست.^۱ فقدان این مهارت‌ها سبب می‌شود تک‌فرزند حس کند با همسالان خود متفاوت است و در نتیجه، از جمع آنها کناره‌گیری کرده، فعالیت‌های انفرادی کند. برخی تحقیقات نشان می‌دهد چندفرزندان که از سوی همدیگر حمایت می‌شوند، گرایش بیشتری به سازگاری اجتماعی دارند، به لحاظ اجتماعی آسان‌تر با دیگران درآمیخته می‌شوند، نشانه‌های کمتری از افسردگی و تنهایی دارند، ارتباط بیشتری با همسالان داشته، و در کنار دیگران احساس راحتی بیشتری می‌کنند.^۲

■ تک‌فرزندها
پرخاشگرو
مخرب‌ترند، در
بین گروه دوستان،
محبوبیت
کمتری دارند.

ث) تعامل مؤثر با والدین

در فرایند اجتماعی شدن متقابل، همان‌گونه که والدین در اجتماعی شدن کودکان مؤثرند، کودکان نیز در اجتماعی شدن والدینشان تأثیرگذارند. برای نمونه، لبخندهای کودکان معمولاً سبب برخوردهای مثبت والدین می‌شود؛ اما اگر کودک بدقلق یا پرخاشگر باشد، احتمال اینکه پدر و مادر آنها را تنبیه کنند بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر، رفتار کودکان بر سبک والدگری تأثیر می‌گذارد.^۳

کودکان در مراحل مختلف تحول، احساس‌ها و رفتارهایی خاص را

در والدین خود پدید می‌آورند. برای نمونه، نگرش والدین به تحصیل فرزندان، در والدینی که فرزند آنها تازه به دنیا آمده، در مقایسه با والدینی که فرزندشان در دوره متوسطه تحصیل می‌کند و در مرحله نوجوانی است، با هم متفاوت است. والدین چندفرزند، با تربیت و بزرگ شدن هر کدام از فرزندان، خودشان نیز رشد می‌کنند و به پختگی بیشتری می‌رسند. این دسته از والدین، افزون بر اینکه دچار افراط در پاسخ‌دهی و کنترل فرزندان خود نمی‌شوند - و می‌توان گفت برخی از عیوب پدر و مادران تک‌فرزند را ندارند -، از داشتن چندفرزند و تعاملات بین آنها لذتی بیشتری می‌برند، احساس رضایت بیشتری از زندگی دارند و در سنین بالا کمتر احساس تنهایی خواهند کرد.

■ چندفرزندی‌ها
در کنار دیگران
احساس راحتی
بیشتری می‌کنند.

ج) تعامل مؤثر با خواهران/برادران

هرچند نقش محوری روابط کودکان همسال در رشد اجتماعی همدیگر، به‌روشنی پذیرفته شده، اما به نقش کودکان خواهر/برادر در اجتماعی شدن همدیگر کم توجه شده است. در اینجا تأثیر تعامل کودکان خواهر/برادر در رشد اجتماعی و عاطفی همدیگر را مرور می‌کنیم.

یک) تأثیر تعامل خواهران/برادران بر رشد اجتماعی یکدیگر
رابطه خواهر/برادری عملکردی متفاوت با رابطه کودکان همسال در اجتماعی شدن یکدیگر داشته، یک تجربه اجتماعی متفاوت است. درک اجتماعی، رفتار جامعه‌پسند و رشد اخلاقی کودکان، در اثر روابط خواهر/

۱. حسن احدی و شکوه السادات بنی جمالی، روان‌شناسی رشد، ص ۹۳.
۲. الهه عزیزی، پیوندهای خانوادگی کودکان مبتلا به اختلال ADHD و مقایسه آن با کودکان عادی (پایان نامه)، ص ۵۳.
۳. ساتتراک، زمینه روان‌شناسی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، ص ۲۰۷.

والدینی که چند
فرزند دارند از
تعاملات
بین آنها لذت
بیشتری می‌برند.

برادری و در زمینه‌ای از نظام خانواده و روابط والدین - کودک رخ می‌دهد. چندفرزندان در روابط تنگاتنگ و صمیمی با یکدیگر، مهارت‌های اجتماعی و شناختی مهمی را می‌آموزند. روابط آنها نقشی مهم در رفتارهای ضداجتماعی و اجتماع‌پسند کودکان و برخی ابعاد شخصیت، هوش و پیشرفت آنان دارد. دانشمندان در دانشگاه کمبریج متوجه شدند اختلافات و بحث‌های بین خواهرها و برادرها در اصل مهارت‌های اجتماعی، دایره لغات و رشد آن‌ها را افزایش می‌دهد. با این کار توانایی کودکان برای رقابت افزایش یافته، در مدرسه می‌توانند موفق‌تر باشند. این کودکان شخصیت محبوب‌تری در بین دیگران پیدا کرده، توانایی‌های مدیریتی خود را تقویت می‌کنند. این عامل‌ها به موفقیت آنها در زندگی آینده کمک شایانی می‌کند. اختلاف و دعوای معمول بین کودکان نه تنها مضر نیست، بلکه آنها با این کار، بسیاری از مهارت‌های زندگی را می‌آموزند.^۱

خواهرها و برادرها به‌طور مستقیم (با الگو شدن یا تقویت رفتارهای مناسب و نامناسب) و به‌طور غیرمستقیم (با ایجاد استرس والدگری و تأثیر بر مهارت‌های فرزندپروری والدین) بر رشد یکدیگر تأثیر می‌گذارند.^۲

خواهر و برادر بزرگ‌تر در جایگاه همراه و همدم، موضوع دلبستگی، الگو و معلم، و خواهر یا برادر کوچک‌تر در جایگاه طالب کمک، شاگرد، مقلد و همبازی هستند. پیوند عاطفی بین خواهر و برادر تقریباً همیشه قوی است و به رغم بسیاری از وجوه مثبت در اغلب روابط خواهر و برادری،

۱. کلرهاگن، ماهنامه حلقه وصل (ویژه‌نامه نسل ششم انقلاب)، ص ۹۰.
۲. شرودر، کارولین اس. و گوردون، بتی‌ان، سنجش و درمان مشکلات دوران کودکی، ترجمه دهقانی و دیگران، ص ۶۰۵.

تعارض بین آنها در ذهن والدین، جنبه برجسته‌تری دارد. به‌طور کلی، در تعاملات بین خواهران و برادران خردسال، تعدیل متقابل رفتار رخ می‌دهد. رفتارهایی مانند بازی خیالی، رعایت نوبت و شریک شدن، همه به‌وسیله تعامل بین خواهر و برادر تسهیل می‌شوند. همچنین کودکان در تعامل با یکدیگر یاد می‌گیرند چگونه برای حل سستیزه‌ها از مذاکره استفاده کنند. در نهایت، کودکان بزرگ‌تر، الگویی برای خواهر و برادر کوچک‌ترند که نقش شاگرد را برای آموزش‌های آنها ایفا می‌کنند.^۱

درک اجتماعی
و رشد اخلاقی
در سایه روابط
خواهربرادری
رخ می‌دهد.

دو) تأثیر تعامل خواهران/برادران بر رشد عاطفی همدیگر

شواهدی هست که نتایج مثبت و منفی روابط خواهر/برادری از نظر رشد عاطفی را نشان می‌دهد. برای نمونه، خواهران/برادران روابط مثبت‌تر، اعتماد به نفس بالاتر و احساس تنهایی کمتری دارند. در نمود بیرونی آنان، مشکلات رفتاری کمتری دیده می‌شود، مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر و عملکرد شناختی بهتری دارند، ارزش بیشتری برای خود قائل‌اند، استقلال بالاتری دارند و اجتماعی‌ترند؛ اما از سوی دیگر، دعوای و تعارضات شدید خواهر/برادری می‌تواند با افزایش افسردگی در کودکان همراه باشد؛ درحالی‌که صمیمیت خواهر/برادران با افزایش کارایی در میان همسالان (برای دختران) و کاهش افسردگی در آنان (برای هر دو جنس) همراه است.^۲

با توجه به مطالب این فصل می‌توان گفت در خانواده‌های تک‌فرزند،

۱. سوزان بی کمپبل، مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی، ترجمه سعید صیادلو، ص ۱۵۴.
۲. سوده آقامحمدی، اثر آموزش مدیریت روابط همسیران به والدین بر بهبود روابط همسیران و کاهش استرس والدگری (پایان نامه)، ص ۳۰.

همه محبت‌ها و حمایت‌ها و همه سخت‌گیری‌ها و کنترل‌ها متوجه تک‌فرزند است. این محبت و حمایت افراطی یا سخت‌گیری و کنترل بیش از حد پدر و مادر و گاهی از سوی اطرافیان، به سلامت روانی تک‌فرزند آسیب می‌زند. تک‌فرزندانی که در کانون توجه خانواده‌اند، در مواجهه با مشکلات معمولاً به اضطراب و نگرانی دچار می‌شوند؛ درحالی‌که اگر چند فرزند باشند، با همکاری و همدلی، مشکلات خود را بهتر حل می‌کنند.

گرایش به انزوا، افسردگی، ضعف در برقراری ارتباط با همسالان، توجه بیش از حد به بازی‌های رایانه‌ای و انفرادی و ترس یا تنفر از حضور در گروه‌های اجتماعی، از خصوصیات است که بیشتر در تک‌فرزندها دیده می‌شود. زندگی در کنار خواهر یا برادر، روحیه جامعه‌گرایانه کودک را تقویت کرده، به وی مدیریت روابط اجتماعی را می‌آموزد. همدلی و همسویی با افراد خانواده، عشق ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم‌سن در جامعه و مدرسه، از اصلی‌ترین ویژگی‌های فرزندان در خانواده‌های دارای بیش از یک فرزند است. در این خانواده‌ها ارتباط با خواهر و برادر نقشی مهم و اساسی در رشد و شکوفایی کودک دارد، این امکان را فراهم می‌کند تا نقش‌های متفاوتی را بازی کند، او را در افزایش خلاقیت و خودجوشی یاری می‌رساند، به او فرصت می‌دهد تا خشم و پرخاشگری خویش را ابراز کند و به او می‌آموزد که چگونه این حس را هدایت کند؛ همان ویژگی‌هایی که او را برای زندگی در جامعه و رویارویی با دیگران آماده می‌کند.^۱

از دیگر پیامدهای تک‌فرزند، حاکمیت رسانه‌ها به دلیل کم شدن ارتباطات

■
خواهرها و برادرها
به طور مستقیم و
غیر مستقیم
بر رشد یکدیگر
تأثیر می‌گذارند.

۱. جمعی از نویسندگان، دانش خانواده و جمعیت، ص ۱۹۲.

کلامی میان اعضای خانواده است؛ در نتیجه کودک به تلویزیون، رایانه، تلفن همراه، جاذبه‌های گرافیکی و هیجان‌های کاذب در بازی‌های رایانه‌ای و دنیای مجازی روی می‌آورد که این امر تعامل اجتماعی را کاهش داده، تأثیری منفی بر رشد معرفتی و اجتماعی او دارد؛ حال آنکه در روایات اسلامی توصیه شده است که همسران از تولد فرزندان متعدد استقبال کرده، از خداوند نسلی سالم و صالح بخواهند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من به زیادی جمعیت شما مسلمانان بر امت‌های دیگر افتخار می‌کنم».^۱

■
بنابر مطالب پیش‌گفته، وجود فرزندان در خانواده آثار و برکات متعددی دارد. حال این سؤال مطرح می‌شود چرا تعدادی از خانواده‌ها تمایلی به فرزنددار شدن ندارند؟ چرا تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها به یک فرزند بسنده کرده‌اند؟ علل کاهش تعداد فرزندان در خانواده‌های ایرانی چیست؟ در فصل سوم عوامل کاهش تعداد فرزندان در خانواده را می‌کاویم.

■
چندفرزندى‌ها با
همکاری و همدلی
مشکلات خود را
بهتر حل می‌کنند.

۱. «إثني مكاثر بكم الامم». محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۵.

فصل چهارم

فرزندخواهی، فرزندآوری

- فرزندان در جوامع سنتی و مدرن از چه جایگاهی برخوردارند؟
- «مادر» در قرآن، روایات و نگاه بزرگان، چه جایگاهی دارد؟
- «مادر» شدن و مادر بودن چه آثار و فوایدی دارد؟
- راهکارهای دینی برای تقویت جایگاه «مادری» چیست؟
- مشوق‌های دینی برای «پدر» یا «مادر» شدن چیست؟

فرزندخواهی، فرزندآوری

■ فرزندخواهی یک میل فطری^۱ روحی در مقابل گرایش‌های جسمی است؛ زیرا لذت انسان از داشتن فرزند، لذتی روحی است.^۲ انسان‌ها به‌طور طبیعی گرایش به فرزندآوری دارند و قوام خانواده از یک‌سو به والدین، و از سوی دیگر به فرزندان بستگی دارد. فرزند، موجودی ضعیف و نیازمند حمایت و مراقبت است. هنگامی که فرزند نیازمند محبت پدر و مادر است، والدین به‌طور طبیعی مشتاق فرزند و شیفته پرورش اویند. از سوی دیگر، هنگامی که والدین به‌دلیل پیری، ناتوان، و نیازمند مراقبت می‌شوند، فرزندان به جوانی و کمال قدرت رسیده،^۳ توانایی حمایت و مراقبت از والدین‌اند. این تعامل حمایتی، به‌تنهایی می‌تواند سبب تحکیم خانواده شود.^۴

۱. محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۱۹۷.

۲. مرتضی مطهری، فطرت، ص ۶۰.

۳. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۷، ص ۵۷۰.

۴. قاسم ابراهیمی‌پور و دیگران، راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی، ص ۱۱۴.

برایند پژوهش‌ها نشان می‌دهد نبود فرزند در خانواده، یکی از عوامل ناپایداری زندگی مشترک است.^۱ بنابراین، گرایش به فرزندخواهی، از عوامل طبیعی تحکیم خانواده است؛ هرچند نگرش‌های متفاوت به فرزند، در این گرایش تأثیر دارد.

فرزندخواهی در انواع جوامع

در جوامع سنتی، فرزندان به مثابه نیروی کار، جایگاهی ویژه داشته، و به همین دلیل، بر تحکیم خانواده تأثیر مهمی دارند؛ ولی در جوامع مدرن که روابط همسران بر اساس مشارکت‌های لذت‌گرایانه تحلیل و تفسیر می‌شود، فرزندخواهی صرفاً بر بنیاد پاسخ به یک نیاز عاطفی عینیت یافته، و در راستای تأمین نیازهای لذت‌گرایانه معنا می‌یابد؛ از این رو تأثیر قابل توجهی در تحکیم خانواده ندارد. در جامعه غربی به طور مستمر از تعداد کودکان کاسته می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد تعداد زوج‌های بدون فرزند، از دهه ۱۹۵۰ تاکنون روندی فزاینده داشته؛^۲ اما در جوامع دینی وضع به گونه‌ای دیگر است. حضرت زکریا در راز و نیاز با پروردگار خویش می‌گوید:

من از وابستگان بعد از خودم بیمناکم و همسرم نازا و عقیم است. تو از نزد خود جانشینی به من ببخش که او وارث من و دودمان یعقوب باشد. در نجوای دیگرش نیز مصئانه می‌طلبد که تو درخواست‌های مرا

۱. محمدحسین فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، ص ۱۴۳.

۲. پتر ورسلی، جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه حسن پویان، ص ۲۴۶، ۲۳۱.

می‌شنوی، از دربار کبریایی‌ات، فرزندی پاک به من هدیه بفرما.^۱ امام سجاد علیه السلام از خدا می‌خواهد:

خدایا تو بهترین وارثی، تنهایم مگذار و ولی‌ای بر من ببخشای تا وارثم باشد و پس از مرگم برای من طلب مغفرت کند. او را در بهترین وضعیت خلق کن و بهره‌ای برای شیطان در او قرار مده.^۲

آموزه‌های دینی در راستای تقویت این گرایش فطری، فرزندآوری را ستوده، کثرت امت را سبب مباحات پیامبر اسلام دانسته، و مهرورزی به فرزند را مایه رحمت الهی می‌داند.^۳

البته در نگرش دینی، به فرزندآوری در چارچوب توحیدمحوری توجه شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن باشد».^۴ امام علی علیه السلام از کسانی که ریشه‌های خانوادگی اصیل و شریف دارند، به نیکی یاد کرده^۵، توصیه می‌کند: «نیازمندی‌های خود را از مردان کریم و صاحبان ریشه خانوادگی بخواهید. آنها بدون مسامحه و منت، در تأمین نیازهای شما قیام می‌کنند».^۶

۱. «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ».

مریم (۱۹)، ۴-۵: «هَٰذَاكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ».

آل عمران (۲)، ۳۸.

۲. «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي فِي حَيَاتِي وَبِاسْتِغْفَرِي بَعْدَ مَوْتِي وَاجْعَلْ لِي خَلْفًا سَوِيًّا وَاجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا». شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۷۴.

۳. «اطلبوا الولد فانّی مکاتربکم الایم غدأ». محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۵؛ امام صادق علیه السلام: «إن الله لیرحم العبد لشدّة حبه لولده». محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹.

۴. «طوبی لمن کانت امه عقیقه». شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۶۵.

۵. امام علی علیه السلام: «إذا کرم اصل الرجل کرم مغیبه ومحضره». مرتضی فرید تنکابنی، الحدیث، ترجمه محمدتقی فلسفی، ج ۲، ص ۳۶۶.

۶. امام علی علیه السلام: «علیکم فی قضاء حوائجکم بکرام الانفس و الاصول تنجح لکم عندهم من غیر مطال و

خدا یستو
بهترین وارثی،
تنهایم مگذار.

تأکیدات رویکرد دینی درباره رعایت و به‌کارگیری شرافت نسب و اصالت خانوادگی در حوزه‌ی گزینش همسر، به این دلیل اهمیت یافته، که زمینه‌های وراثتی و انتقال ویژگی‌های اخلاقی و خصیصه‌های سرشتی به فرزندان و نسل‌های متأخر انسان‌ها، به مثابه فرایند قطعی و تأثیرگذار در قلمرو امتداد نسل‌ها، موقعیت و جایگاه علمی و شایسته‌ای داراست. به همین دلیل رسول خدا ﷺ تصریح می‌کند: همسر مناسب انتخاب کنید تا فرزندان شما صفات ناپسند به ارث نیاورند.^۱ «برای نطفه‌های خود جای مناسب انتخاب کنید؛ زیرا زنان فرزندان هم چون برادران و خواهران خود می‌آورند»^۲ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از خاندان صالح همسر بگیرید که نطفه اثر دارد»^۳ یعنی صفات و حالات والدین از راه نطفه به فرزند منتقل می‌شود.^۴

از خاندان صالح همسر بگیرید که نطفه اثر دارد.

راهبردها و انگیزه‌های فرزندآوری

جمعیت جوان برای هر کشور یک فرصت است و کشورهایی که جمعیت آنها به سمت سالمندی پیش می‌رود با آینده‌نگری می‌کوشند توزیع سنی کشور خود را به تعادل برسانند و اندام‌وارگی جمعیت را حفظ کنند. برای این کار از سیاست‌های تشویقی مختلف برای افزایش تولید مثل و پیشگیری از پیری جمعیت بهره می‌برند. عمده کشورهای جهان که تا چندی قبل با سیل

جمعیت از سوی کشورهای مهاجرخیز مقابله می‌کردند، به تکاپو افتادند تا با استفاده از برخی مشوق‌ها، آب رفته را به جوی بازگردانند و بتوانند خود را از سقوط در چاله جمعیتی برهانند. در این میان مهم‌ترین مشوق‌ها برای افزایش جمعیت، مراقبت‌های بهداشتی و ارائه مشوق‌های مالی بود. بعدها افزایش مرخصی زایمان برای مادران و همچنین اعطای مرخصی به پدران برای مراقبت از همسرانشان به فهرست افزوده شد. سیاست‌های تشویقی وقتی در قالب کمک‌های مالی، تسهیلات در امر آموزش، بهداشت و حتی در قالب بسته‌های مرخصی و... مطرح می‌شود، مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند؛ چرا که بدون اجبار خانواده‌ها به سمت فرزندارشدن، تنها شرایط را برای آنها فراهم می‌کنند. جدای از این قبیل سیاست‌های تشویقی، باید کارهای مبنایی و نگرشی نیز انجام شود. برای نمونه می‌بایست نظام خانواده، تحکیم، و اهمیت و جایگاه ویژه آن و جایگاه پدری و مادری در نظام خانواده تبیین و مهم جلوه داده شود. هنجارها و ارزش‌ها در این زمینه برای همگان روشن شود. در ادامه برخی از راهبردهای افزایش جمعیت را مرور می‌کنیم.

۱. تقویت ارزش‌ها

رویکرد کلی آموزه‌های دینی بر ترغیب و تقویت گرایش فرزندخواهی و تعمیق پذیرش نقش‌های پدری و مادری است و با پیوند دادن این موقعیت‌ها با ارزش‌های ملکوتی، در صدد احیای این کشش‌ها در نهاد بشری و در نتیجه، استحکام روابط همسران برآمده است. از این منظر، خانه‌ای که در آن فرزند نیست، خانه‌ای تهی از برکت توصیف شده است؛^۱ زیرا بی‌فرزندگی در خانواده

لا من». مرتضی فرید تنکابانی، الحادیث، ترجمه محمدتقی فلسفی، ج ۳، ص ۳۶۶.
۱. حضرت محمد ﷺ: «انظروا ای شیء تضع ولدک فإن العرق دساس». همان، ص ۳۵۹.
۲. حضرت محمد ﷺ: «تخیروا لنطفکم فإن النساء یلدن اشباه اخوانهن واخوانهن». همان، ص ۳۸۱.
۳. امام صادق علیه السلام: «تزوجوا فی الحجز الضالحد فإن العرق دساس». حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۹۷.
۴. قاسم ابراهیمی پور و دیگران، راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی، ص ۱۱۵.

جـداى از سیاست‌های تشویقی می‌بایست کارهای مبنایی نیز انجام گیرد.

یک فضای خالی پدید آورده، باعث تضاد و بی‌علاقگی به زندگی مشترک می‌شود. پژوهش‌ها در ایران نیز نشان می‌دهد خانواده‌های بی‌فرزند بیش از هر نوع خانواده دیگر در معرض گسست‌اند.^۱

موقعیت مادری هم‌طراز با کل پاداش و جزای خیر انسان‌های فرهیخته به صورت کامل و تمام، گره خورده، و بهشت در زیر قدم‌های آنان قرار می‌گیرد.^۲ وقتی پیامبر اکرم (ص) از ارزش جهاد سخن می‌راند، در پاسخ به پرسشی از بهره زنان در جهاد می‌فرماید:

اجری که برای زنان از زمان بارداری تا هنگامه از شیر گرفتن کودکشان در نظر گرفته شده، همانند اجر مجاهدی در راه خداست و اگر چنانچه در طی این مراحل به دیار باقی شتافت، مقام و منزلت شهید را خواهد داشت.^۳

درباره تبیین موقعیت پدری و تشویق و ترغیب مردان به فرزندآوری نیز به گرایش فطری انسان به جاودانگی توجه شده است؛ زیرا انسانی که جانشینی از خود بر جای نمی‌گذارد، مانند کسی است که انگار در میان مردم حضور نداشته، و فردی که از خود جانشینی باقی می‌گذارد، همانند کسی است که وجودش پایانی نیافته است.^۴ در متون روایی به تبیین و بازنمایی ظرفیت طبیعی کشش‌های پدرانه پرداخته شده، و افراد بشری درباره وجود مستمرشان ترغیب شده‌اند، انگیزش نیاز به بقا و استمرار وجود انسان‌ها، بدون تردید یکی از ظرفیت‌ها و مهارت‌های تأثیرگذار و مهم است که به

۱. باقر ساروخانی، طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ص ۷۱۶۷.
 ۲. حضرت محمد (ص): «الجنة تحت اقدام الائمةا»، میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.
 ۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۷.
 ۴. امام معصوم (ع): «أَنْ مَاتَ بَلَا خَلْفَ فَكَانَ كَأَنْ يَكُنْ فِي النَّاسِ وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ خَلْفَ فَكَانَهُ لَمْ يَمُتْ»، حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۹.

صورت یک کشش طبیعی و با کمترین مشوق‌هایی دیگر درباره احیا و تعمیق گرایش پدرانه، در آموزه‌های دینی به آن عنایت شده است.

در این دیدگاه، تنها به انگیزش‌های طبیعی اکتفا نشده، بلکه مشوق‌ها و انگیزش‌های معنوی و ایجاد منزلت‌های قدسیانه‌ای نیز برای پذیرش مسئولیت‌های پدرانه در نظر گرفته شده است. از همین رو گفته شده است وقتی خداوند خیر بنده‌اش را بخواهد، جان او را نمی‌گیرد تا اینکه فرزند و جانشینی به او ببخشد.^۱ مهم‌تر از آن، تبیین هدفدارانه‌ای نیز ارائه شده است که «چه چیزی انسان مؤمن را از گزینش همسر باز می‌دارد! شاید خداوند به او نسلی ببخشد که زمین با کلمه «لا اله الا الله» او به سنگینی افتد»؛^۲ بر همین اساس پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

مؤمن دوست خدا و فرزند او هدیه خداست. هر که را خداوند در اسلام فرزندی عطا فرماید، باید او را زیاد ببوسد.^۳

مهر ورزیدن به فرزند، حفاظت از آتش، و غذا خوردن با فرزند، نجات از آتش، و گرمی داشتن فرزند، عبور از صراط را در پی دارد.^۴ فرزند گلی از گل‌های بهشت است.^۵

۱. امام رضا (ع): «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا، لَمْ يُؤْتِهِ حَتَّى يَرِيَهُ الْخَلْفَ»، حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۹.
 ۲. حضرت محمد (ص): «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا، لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ نَسَمَةً تُثَقِّلُ الْأَرْضَ بِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ»، شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۲.
 ۳. حضرت محمد (ص): «الْمُؤْمِنُ حَبِيبُ اللَّهِ، وَلَوْلَهُ حَقَّقَهُ اللَّهُ، فَمَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا فِي الْإِسْلَامِ فَلْيُكْرِ قُبْلَتَهُ»، محمد بن حسين شريف الرضى، تنبيه الغافلين، ص ۳۴۳، ج ۴۹۷.
 ۴. حضرت محمد (ص): «حُبُّ الْأَوْلَادِ سِتْرٌ مِنَ النَّارِ وَالْإِكْلُ مِنْهُمْ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَكَرَامَتُهُمْ جَوَازٌ عَلَى الصَّرَاطِ»، همان، ص ۳۴۴، ج ۵۰۱.
 ۵. حضرت محمد (ص): «الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِ الْجَنَّةِ»، حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۸.

مؤمن دوست
خدا و فرزند او
هدیه خداست.

بهشت زیر
قدم‌های
مادران است.

بنابراین بهترین عمل نزد خداوند، دوست داشتن فرزند است؛ زیرا آنان بر فطرت توحیدی خلق شده، و چنانچه بمیرند، در بهشت جای می گیرند.^۱ فرزند، میراث خداوند^۲، بوسیدنش حسنه ای از حسنات الهی است و خوشحال کردنش، خوشحالی والدین در قیامت را به دنبال دارد. آموزش قرآن به فرزند، پوششی از نور برای والدین را نوید می دهد که چهره های اهل بهشت را نورانی می کند.^۳ ترغیب پدر به مهرورزی به فرزند به عنوان هدیه الهی، عامل مهمی در ایجاد انگیزش و تقویت گرایش های فرزندخواهانه است که در آموزه های دینی به آن توجه ویژه شده است.^۴

۲. تقویت هنجارها

از واکاوی آموزه های دینی به دست می آید تکریم والدگری و حرمت نهادن به جایگاه و موقعیت های پدری و مادری، اساسی ترین عامل تقویت گرایش فطری به فرزندخواهی است. خداوند می فرماید:

تنها خداوند را بیرستید و به والدینتان احسان کنید! اگر یکی از آنان یا هر دوی ایشان به سن پیری پا گذاشتند، بال های رحمت آمیزتان را متواضعانه بگسترانید و با آنان کریمانه سخن گوید، آنان را از خود نرانده، و آف به آنان نگویید.^۵

۱. امام صادق علیه السلام: «قال موسى بن عمران أي الأعمال أفضل عندك؟ فقال حبّ الأهل فالإهل فإني فطرهم على توحیدی فإن امتهم أدخلهم برحمتي جنتي». میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۵.
۲. امام صادق علیه السلام: «میراث الله من عبده المؤمن ولد صالح يستغفر له». حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۹۹.
۳. حضرت محمد صلی الله علیه و آله: «من قتل ولده كتب الله عز وجل له حسنة ومن قرّحه قرّحه الله يوم القيامة، ومن علّمه القرآن دعى بالبرین فیکنسین حلتین یعنی من نورها فجوه اهل الجنة». محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹.
۴. قاسم ابراهیمی پور و دیگران، راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی، ص ۱۱۷-۱۱۸.
۵. «وقضى ربك ألا تعبدوا إلا إياه وبالوالدين إحساناً إِنَّمَا يَبْغَىٰ عِنْدَكَ الْكِبَرُ أَخْذُهُمَا أَوْ يَخْلَصُهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا

حمایت و مراقبت فرزندان از والدین، آنچنان اهمیت دارد که پس از توحید، از واجب ترین واجبات است؛ زیرا رابطه عاطفی میان والدین و فرزندان، از مهم ترین روابط اجتماعی است و قوام جامعه انسانی به آن وابسته است؛ بنابراین از نظر سنت اجتماعی و به حکم فطرت، لازم است آدمی، به پدر و مادر خود احترام و احسان کند؛ چراکه اگر این حکم در اجتماع جریان نیابد و فرزندان با پدر و مادر خود، مانند یک بیگانه رفتار کنند، قطعاً آن عاطفه از بین رفته، و شیرازه اجتماع به کلی از هم گسیخته^۱، و جامعه رو به زوال و انقراض می رود.^۲ از این رو تکریم والدین، انگیزه والدگری را در افراد تقویت می کند. ناگفته پیداست در چنین شرایطی، سرمایه گذاری برای تربیت اولاد، تجارتی پر سود است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «خداوند رحمت کند پدر و مادری که فرزندان شان را بر نیکی به والدین شان یاری کنند». همین معنا در فرمایش امام صادق علیه السلام نیز برجسته شده است: «نیکی کردن به اولاد، نیکی کردن اولاد به والدینش در آینده خواهد بود».^۳ با تحقق این هنجارهای اجتماعی، گرایش به فرزندخواهی احیا شده، و در لایه های درونی و عمیق جامعه رسوخ می کند. تصویرسازی ظریف و زیبا از امام سجاد علیه السلام در همین زمینه خواندنی است:

خدایا! چنان کن که هیبت پدر و مادر در دل من چون هیبت پادشاهی خودکامه قرار گیرد؛ اما من با آنها مانند مادر مهربان باشم. خدایا طاعت پدر

کتاب ربیبانی صغیراً، اسراء (۱۷)، ۲۳.

۱. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۳۳-۱۳۵.

۲. همان، ج ۷، ص ۵۷.

۳. حضرت محمد صلی الله علیه و آله: «رحم الله من أعان ولده على بر». محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۸.

۴. امام صادق علیه السلام: «بر الرجل یولد یو بوالديه». محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۲۸۴.

تکریم والدین، انگیزه والدگری را در افراد تقویت می کند.

و مادر و نیکی به آنها را برای من از خواب در دیده خسته مطبوع تر، و از آب سرد در کام تشنه گوارتر گردان؛ چنان که خواهش دل آنها بر خواهش دل خود مقدم گردانم و پسند خاطر آنان را بر پسند خاطر خود برگزینم و نیکی آنها را درباره خود گرچه اندک باشد، بسیار شمارم و نیکی خود را درباره آنها اگرچه بسیار باشد اندک ببینم. خداوندا! صدایم را در برابر آنان مهربان فرما و مرا با ایشان سازگار و مهربان گردان!

بنابراین حتی با یک نگاه سودگرایانه نیز فرزندآوری مطلوب است؛ زیرا در یک مبادله گرم و نامتقارن، والدین خدماتی را که در کودکی به فرزند خود ارائه کرده، هنگامی که فرزند به بزرگسالی رسیده، به اندازه کافی توانمند شده، و در مقابل، ایشان به واسطه پیری و کهولت به ضعف و سستی رسیده اند، از وی دریافت خواهند کرد. البته توجه یا غفلت به این نگرش، وابسته به شرایط فرهنگی اجتماعی است. برای نمونه، اگر نگهداری افراد کهنسال در خانه سالمندان شایع شود، می تواند بر تمایل افراد به فرزندآوری اثر منفی داشته باشد. هم چنین در شرایطی که دولت ها به دلیل مشکلات اقتصادی، کنترل جمعیت را در دستور کار قرار داده، فرزند کمتر را سبب آسایش و رفاه بیشتر و خوشبختی می دانند، تمایل افراد به فرزندآوری کاهش می یابد و این مسئله ای نیست که به سادگی بازگشت پذیر باشد. در چنین شرایطی اگر برنامه های آموزشی، آگاهی بخش و اقناع کننده اجرا

۱. «اللَّهُمَّ اجْعَلْني أَهْلَها هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَأَبْنِها بِإِذْنِ الرَّؤُوفِ، وَاجْعَلْ ظاعِنِي لِبِوَالِدِي وَبَنِي بِها أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْطَانِ، وَأَقْلَجْ لِبَصْدَرِي مِنْ شَرِّهِ الظُّلْمَانِ حَتَّى أَوْثِرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاها، وَأَقْدِمَ عَلَى رِضايَ رِضاها وَأَسْتَكْبِرَ بِها يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَسْتَقْبَلَ بِها زَيْنَ الْكَمالِ، وَأَطِيبَ لَهَا صَوْقِي، وَأَطِيبَ لَهَا كَلَامِي، وَالْأَيْنَ لَهَا غَرِيْبِي، وَأَغْطِفَ عَلَيْها قَلْبِي، وَصَبْرِي بِها رَقيقاً، وَعَلَيْها شَفِيقاً»، صحیفه سجادیه، دعای ۲۴.

نشود، با جمعیتی پیر و سال خورده مواجه خواهیم بود که مشکلات متعدّد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روان شناختی به دنبال خواهد داشت.^۱

۳. نقش پذیری جنسیتی

با قطع نظر از مباحث پردامنه تفاوت های جنسیتی، از آموزه های دینی به روشنی برمی آید زن و مرد به تبع تفاوت های طبیعی و فطری، هویت و نقش های جنسیتی متفاوت دارند؛ یعنی هر کدام از آنها، متناسب با طبیعت خویش، در قالب گفتارها و رفتارهای خویش، زن بودن و مرد بودن خود را نشان می دهند.^۲ ساختار فیزیکی و جسمانی زن، تفاوت های جدی با هیئت طبیعی مرد دارد؛ به همین دلیل در متون دینی، زن به ظرافت گل تصویر شده^۳، و از درگیر شدن با خشونت های عرصه زندگی باز داشته شده، و از این جهت، زن در منطق اسلام، امانت الهی در دست مرد است.^۴ زن به لحاظ زیستی قابلیت زایش دارد و به طور طبیعی عهده دار نقش بانویی و مادری می شود. در هر حمل و بارداری که حدود سه سال زن را مشغول بچه داری می کند،^۵ مرد به طور طبیعی در موقعیت سرپرستی خانواده قرار گرفته، تکیه گاه اعضای خانواده خویش است و وظیفه دارد نیازمندی های همسر و فرزند خود را تأمین کند^۶ و زن در موقعیت بانویی نشسته، عهده دار مدیریت داخلی منزل می شود.^۷

۱. قاسم ابراهیمی پور و دیگران، راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی، ص ۱۱۸-۱۲۱.
۲. محمدرضا زیبایی نژاد، «بازخوانی هویت جنسی»، مجله حواء، ۱۳۸۴، ش ۱۴-۱۵.
۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۲.
۴. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۱.
۵. لقمان (۳۱)، ۱۴.
۶. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۴۴؛ ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۸۴.
۷. قاسم ابراهیمی پور و دیگران، راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی، ص ۱۲۳.

■ سرمایه گذاری
برای تربیت اولاد،
تجسّراتی
پرسود است.

■ زن و مرد، هویت و
نقش های جنسیتی
متفاوتی دارند.

در نگرش اسلامی، مهم‌ترین نقش‌های جنسیتی زنان، نقش مادری و همسری است. زنان از این راه، نقش بی‌بدیل خویش در حوزهٔ بازتولید جامعهٔ توحیدی را ایفا می‌کنند و مردها با خدمت‌رسانی به زنان، کمک می‌کنند تا فلسفهٔ تشکیل خانواده‌شان به خوبی محقق شود. استحکام خانوادهٔ اسلامی ناشی از این اصول ساختاری است که:

نخست) نقش‌های جنسیتی یادشده، متناسب با ویژگی‌های طبیعی زن و مرد است؛

دوم) اسلام چنین نقش‌هایی را در دایرهٔ تکالیف الزامی معنا می‌کند؛ یعنی زنان با پذیرفتن ازدواج، نباید از مادر شدن امتناع کرده، در انجام دادن وظایف بانویی خود کوتاهی کنند و مردها نیز نباید نیازمندی‌های خانوادهٔ خود را تأمین نکرده، برای آسایش و رفاه آنها تلاش نکنند؛^۱ سوم) والدین موظف‌اند فرزندان خود را متناسب با جنسیت آنها تربیت کرده، جامعه‌پذیر سازند.^۲

مادری، خانه‌داری و همسری، نقش‌هایی است که زنان در حوزهٔ خانوادگی بر دوش می‌گیرند. گاهی به این نقش‌ها، نقش‌های اجتماعی-از همیاری‌های داوطلبانهٔ اجتماعی، سیاسی، فرهنگی تا فعالیت‌های شغلی-افزوده می‌شود. انجام همهٔ این کارها با هم، گرانبار و نیازمند صرف انرژی فراوان و مدیریت شایسته است. در موارد بسیاری، انجام آنها با یکدیگر تداخل کرده، سبب تعارض‌های گوناگون در زندگی زنان می‌شود. بنابراین باید دانست آیا میان این نقش‌ها رتبه‌بندی و اولویتی وجود دارد یا خیر.

۱. محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۴۴؛ ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۳۸۴.
۲. همان، ص ۴۹۴.

در صورت تعدد نقش‌ها، گاهی تکلیف شرعی زنان معلوم است؛ مانند آنکه زنان نمی‌توانند از فرصت شغلی‌ای استفاده کنند که با حقوق زناشویی شوهرانشان منافات داشته باشد، یا آنکه در موقعیت‌های ویژه، دفاع از اسلام بر نقش‌های خانه‌داری زنان مقدم می‌شود، یا اگر زن کسی را نداشته باشد که نیازهای ابتدایی زندگی او و فرزندش را تأمین کند، کسب و کار برای سیر کردن شکم خود و فرزندش بر او لازم می‌شود. این کار برای او، حتی از نشستن در خانه و مادری کردن لازم‌تر است؛ اما در وضعیت عادی که فرد می‌تواند به اختیار خود نقش‌های متفاوتی را بپذیرد، باید دانست کدام نقش برای زن مهم‌تر است.

زن و مرد سنگربانان دو سنگرند و چنان‌چه زن، سنگر اصلی و ذاتی خود را رها کند، جامعه از آن ناحیه آسیب می‌پذیرد. زنی که وظایف خاص خود را فراموش کرده، حریصانه به دنبال تکالیف مردانه برود، در واقع خود و اهمیت نقش خود را نمی‌شناسد و خویش‌تر را موجودی حقیر می‌داند و برای جبران این حقارت کاذب، پا در جای مردان می‌گذارد.^۳

با پذیرش وجود تفاوت در توانایی‌های زن و مرد در انجام کار، مفهوم تقسیم کار استوار بر پایه جنسیت، مسئولیت مراقبت از کودکان و کار خانگی را برعهدهٔ زنان می‌گذارد.^۴ تفاوت اساسی در وضعیت زنان متمدن امروز با دنیای گذشته در این است که در گام نخست، با رانده شدن زن از خانه به بیرون، بهره‌کشی از زن، البته به نام آزادی و رهایی زن از سلطهٔ مرد و اخذ

۱. دلیل این مسئله نیز وجوب حفظ نفس محترمه است؛ البته برخی فقها در وجوب کسب و کار برای تأمین نفقه اقارب تردید دارند. رک: حسن بن یوسف الحلّی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۱۴.

۲. سیدهادی حسینی و دیگران، کتاب زن، ص ۲۸.

۳. پملا ابوت و کلر والاس، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمهٔ مریم خراسانی و حمید احمدی، ص ۱۶۷.

مادری، خانه‌داری و همسری، نقش‌هایی است که زنان در حوزهٔ خانوادگی بر دوش می‌گیرند.

تصمیم مستقل، گسترده‌تر از گذشته شده است. در نظام‌های مدعی آزادی زنان، این بار به نام آزادی و با پیش‌کشیدن شخصیت مستقل زن، دوباره از او سوء استفاده اقتصادی و جنسی می‌شود. جداسازی زنان از قید خانواده و ارزش‌های انسانی هیچ‌گاه نمی‌تواند رساننده پیام حرمت‌گذاری به آنان باشد. مفهوم صریح چنین رفتاری، قانونی کردن هرگونه استفاده سوء از زنان است.^۱

۴. فرزندآوری، یکی از اهداف مهم ازدواج

از اهداف مهم تشکیل خانواده، فرزندآوری سالم و بهنجار و تربیت آنان برای ایفای نقش در جامعه است. خطری که برخی از جوامع از جمله ایران را تهدید می‌کند، کم‌رنگ شدن این وظیفه مهم خانواده است.^۲ فرزند در خانواده اسلامی، جایگاه محوری دارد و از عوامل اصلی تشکیل خانواده است. خانواده اسلامی شکل می‌گیرد تا نسل آماده بشر برای رسیدن به سعادت و رستگاری پرورش یابد، انسان و جامعه توحیدی تولید و بازتولید شود. قرآن کریم می‌فرماید:

خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد، آیا به باطل ایمان آورده و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟^۳

رسول اکرم ﷺ ولود بودن را از ویژگی‌های بهترین زنان دانسته^۴ می‌فرماید:

۱. سیدهادی حسینی و دیگران، کتاب زن، ص ۵۱۸.

۲. محمدرضا سالاری فرو دیگران، دانش خانواده و جمعیت، ص ۸۱.

۳. نحل (۱۶)، ۷۲.

۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۳۴.

زن زشت روی که فرزند آورد از زن خوش سیمای نازا بهتر است.^۱
زنان زیبای نازا را رها کنید؛ ولی با زنان سیاه‌چهره‌ای که بسیار فرزند آورند، ازدواج کنید؛ زیرا روز قیامت به فرونی شما بر امت‌های دیگر مباحثات می‌کنم.^۲
با چنین نگرشی است که «ولود بودن»^۳ و «پاکدامنی زن»، از معیارهای اصلی انتخاب همسر، و فرزندآوری فراتر از نیازهای فردی زن و شوهر، در راستای تکلیف و مسئولیت دینی آنها دانسته شده است.^۴

۵. ارزش والای مقام مادری

زن و مرد جزئی از کائنات اند و عالم بر مبنای عدل بنا شده است. عدل یعنی هر چیزی در جای خودش قرار داشته باشد. در جامعه نیز که جزئی از کائنات است، باید هر چیزی در جای خودش قرار بگیرد تا عدالت برقرار شود.

قرآن هنگام صحبت از زن، «مادری» را بیان می‌کند. مادری به معنای سازندگی است. مادری در دست‌گرفتن قلب جامعه است. مادری به معنای پرورش و تربیت نسلی صالح و خیرخواه است. مادری هنری است بس عظیم، مسئولیتی در قبال پروردگار، جامعه، همسر و فرزندان. درخشان‌ترین و برجسته‌ترین نقش یک زن در پهنه هستی و دفتر آفرینش، نقش مادری و همسری است. بی‌گمان، ایفای این نقش به بهترین و زیباترین شکل آن، متضمن سلامت و سعادت اجتماع و تعالی بشر است.

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۲؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۳۴.

۳. «ولود» به معنای بسیار فرزند آوردن، از ویژگی‌های مهم در انتخاب همسر دانسته شده است.

۴. قاسم ابراهیمی پور، شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، ص ۴۷۲.

فرزند در خانواده اسلامی، جایگاه محوری دارد.

استعمارگران غربی با شعار آزادی و تساوی حقوق زن و مرد با تبلیغات گسترده و دل‌فریب، کوشیده‌اند جایگاه مادر را بی‌رنگ جلوه داده، با برنامه‌های دقیق و حساب‌شده او را از ایفای نقش اصلی و فطری‌اش باز دارند. اگر خانه‌ای خالی از مادری مهربان و وظیفه‌شناس باشد، نفوذ در آن و ایجاد دگرگونی در اعضای آن، بسیار آسان است؛ از این‌رو قدرت‌های بزرگ غربی برای تسلط بر دیگر کشورها، از راه نفوذ بر افکار و ارزش‌های زنان و انگیزه‌ها و روحیات آنها وارد شدند. خانه، پایگاه مقدسی است که در آن، زن با اجرای نقش عالمانه و هنرمندانه مادری می‌تواند نسلی سالم، هدفمند و متعهد بپرورد. این‌گونه است که مادری در ردیف کار انبیا جای می‌گیرد.^۱

در آموزه‌های دینی، مادر بودن و مادری کردن یک ارزش فوق‌العاده است که به دلیل ویژگی‌های زیستی و روانی بر دوش زنان نهاده شده است. در اینجا جایگاه مادری را از منظر قرآن، روایات، سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) و بزرگان بررسی می‌کنیم.

الف) جایگاه مادری در قرآن

واژه «مادر» در لغت عربی به «أم» ترجمه می‌شود. به هر چیز که اصل وجود یک چیز یا منشأ تربیت و اصلاح آن، یا نقطه آغاز امری باشد، «أم» می‌گویند.^۲ در قرآن کریم بخشی از آیه‌ها «أم الكتاب» نامیده شده‌اند؛^۳ آیاتی که دیگر آیات به آنها ارجاع داده شده، در سایه آنها درک می‌شوند.

۱. راضیه محمدزاده، مادر اگر این‌گونه می‌بود، ص ۱۷.

۲. حسین بن راعب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۵.

۳. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُولُ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ...» آل عمران (۳)، ۷.

مادران نیز ریشه فرزندان‌اند. قرآن کریم تأکید می‌کند مادران، کسانی‌اند که فرزندان‌شان را به دنیا می‌آورند.^۱ فرزندان پیوسته در پی مادران خویش‌اند و هنگام سختی‌ها به آنها پناه می‌برند.

در قرآن کریم واژه «أم» به مناسب‌ها و دلایل گوناگون به کار رفته است. گاهی به محبت مادری و وابستگی عمیق مادران به فرزندان اشاره شده است:

و دل مادر موسی [از ترس و اندوه] تهی شد و نزدیک بود راز را فاش کند. اگر قلبش را محکم نکرده بودیم تا از مؤمنان باشد.^۲

گاهی به سختی‌های مادران در دوران بارداری و زایمان و شیردهی اشاره شده است:

ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش هنگام بارداری او را حمل کرد با سستی [همواره بر ضعف او افزوده شد] و در دو سال به او شیر داد. [سفارش کردیم] که مرا سپاس‌گزار و پدر و مادرت را. بازگشت به سوی من است.^۳

تأکید قرآن کریم بر مادران و مادری، به‌ویژه احسان به آنان به سبب مشقت‌هایی که در سه دوره بارداری، زایمان و شیردهی متحمل می‌شوند، نشانگر جایگاه رفیع مادران است.

۱. «...إِنْ أَمَّهُاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ...» مجادله (۵۸)، ۲.

۲. «وَأُصِیْحَ فَوَادٍ أُمُّ مُوسَى قَارِعًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلٰی قَلْبِهَا لَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» قصص (۲۸)، ۱۰.

۳. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَلَّةً أُمُّهُ وَهَنًا عَلٰی وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَتَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» لقمان (۳۱)، ۱۴.

خانه خالی از
مادری مهربان و
وظیفه‌شناس،
نفوذپذیر است.

ولود بودن و
پاکدامنی،
معیارهای اصلی
انتخاب همسرند.

ب) جایگاه مادری در روایات

در نظام خانواده، هر فرد به طور هم زمان در چند موقعیت جای می گیرد؛ از یک سو فرزند است و از سوی دیگر، پدر یا مادر، برادر، خواهر، همسر و... در این میان، والدین حق بیشتری نسبت به دیگران بر گردن او دارند. پیامبر اسلام ﷺ در پاسخ زنی که پرسید: حق چه کسی بر مرد افزون تر است؟ فرمود: پدر و مادرش.^۱ در مقایسه موقعیت پدری و مادری، از حیث دریافت خدمات از فرزند، مادر بر پدر مقدم است. پیامبر ﷺ می فرماید بیشترین حق را مادر بر گردن مرد دارد.^۲ این فرزند اگرچه فرزند هر دوی پدر و مادر است، ولی خدمت گزاری در مقابل مادر، لازم تر است. حق مادر بر گردن فرزند، بیشتر، و وظیفه فرزند در برابر مادر سنگین تر است. پس زن در مقیاس خانواده و در رابطه با فرزندان، حق سنگین تری دارد. علت این ترجیح آن است که زنان زحمت بیشتری متحمل می شوند و عدل الهی ایجاب می کند در مقابل زحمت بیشتر، حق بیشتر، و در مقابل ناراحتی بیشتر، ارزش بالاتری نیز داشته باشند.^۳ امام رضا (ع) فرمود:

و بدان که حق مادر واجب ترین و لازم ترین حقوق است؛ زیرا تو را حمل کرده، به گونه ای که هیچ کس، دیگری را حمل نمی کند. با گوش و چشم و همه اندام خود از تو نگهداری کرده است. همه این کارها را نیز با شادی و سرور انجام داده است. آن را با همه سختی هایش تحمل کرده، چیزی که کسی قادر به تحمل آن نیست. به گرسنگی و تشنگی خود راضی شده، تا

۱. امام باقر (ع): «فقلت: یا رسول الله! من اعظم الناس حقاً علی الرجل؟ قال: والداه». شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۳.
۲. حضرت محمد ﷺ: «واعظم الناس حقاً علی الرجل امه». (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۲۹۷).
۳. بیانات مقام رهبری در دیدار گروهی از خواهران پرستار، به مناسبت ولادت حضرت زینب، ۱۳۷۳/۷/۲.

طفلش سیر باشد. لباس او را بر خود ترجیح داده و گرمای آفتاب را برای این که طفلش در سایه باشد، به جان خریده است.^۴

بنابراین محبت فراوان و فداکاری مادر از یک سو و حساسیت و لطافت روح او از سوی دیگر، سبب این موقعیت فوق العاده برای او شده است.^۵ پدر نیز در آموزه های نبی اکرم ﷺ جایگاه رفیعی دارد. هر چند در خدمت رسانی، مادر مقدم است، ولی در ولایت و اطاعت تقدم با پدر است؛ تا جایی که اطاعت امر او حتی از سوی فرزندی که خود دارای همسر و فرزند است، لازم است. فرزند موظف است در چارچوب شرع، مطابق خواست پدر رفتار کند. مادر چنین ولایتی ندارد؛ اما فرزند به برابر او موقعیت خدمت گزاری دارد و همیشه باید برای خدمت به او، حتی قبل از اینکه مادر درخواست خود را بیان کند، آماده باشد.^۶

درباره اهمیت جایگاه مادری، روایات بسیاری هست. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: زمانی که در نماز نافله بودی، اگر پدرت تو را خواند نمازت را قطع نکن، ولی اگر مادرت تو را صدا زد نمازت را قطع کن.^۷ بهشت زیر پای مادران است.^۸

امام صادق (ع) فرمود:

کسی نزد رسول خدا آمد و پرسید: ای رسول خدا! به چه کسی نیکی

۱. امام رضا (ع): «واعلم أن حق الأم أتم الحقوق وأوجبها لأنها حملت حيث لا يحمل أحد أهدأ ووقت بالسمع والبصر وجميع الجوارح مسرورة مستبشرة بذلك فحملته بما فيه من المكروه والذي لا يصبر عليه أحد ورضيت بأن تجوع ويشتبع ولدها وتنظماً وبيروى وتغري ويكتسي ويظل وتضحي». فقه الرضا، ص ۲۳۴.
۲. سید محمد نجفی یزدی، اخلاق در خانواده و تربیت فرزند، ص ۹۷.
۳. قاسم ابراهیمی یوز و دیگران، راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی، ص ۱۴۲.
۴. «إذا كنت في صلاة...» میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۱.
۵. «الجنة تحت اقدام الامهات». همان، ص ۱۸۰.

■ وظیفه فرزند در برابر مادر سنگین تر است.

کنم؟ حضرت فرمود: «مادرت». سپس پرسید: پس از او؟ حضرت فرمود: «مادرت». دیگر بار پرسید: پس از او؟ فرمود: «مادرت». آن گاه پرسید: پس از مادرم؟ فرمود: «پدرت».^۱

ارزش جایگاه مادر به روشنی از این گفتار پیامبر ﷺ فهمیده می شود؛ اینکه حضرت سه بار به نیکی کردن به مادر، و پس از آن به نیکی به پدر دستور داده، بهترین دلیل بر عظمت شأن مادر است.

پ) جایگاه مادری در سیره

در سیره معصومان علیهم السلام نیز مادران جایگاهی ویژه داشتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در کودکی از لطف و وجود مادر محروم شدند، همواره به کسانی که پس از آمنه برای ایشان مادری کرده بودند محبت فراوان می کردند. أمّ ایمن یکی از این اشخاص بود که پیامبر در حق او فرمود: «او پس از مادرم، مادرم بود».^۲ حلیمه سعدیه، مادر رضاعی پیامبر نیز همواره کانون احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. ائمه علیهم السلام نیز از مادران خویش یاد می کردند و فضایل ایشان را برمی شمردند.^۳

در ولایت و اطاعت
تقدم با پدر است.

ت) جایگاه و نقش مادر در نگاه بزرگان

خواجه نصیرالدین طوسی درباره نقش مادر می گوید: «مادر باید به عنوان عامل بقا و حفظ مصالح و منافع خانواده، با الفت و محبت خانواده را سامان

۱. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۰۶.
۲. «هي اُمِّي بعد اُمِّي». ابن حجر عسقلانی الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۴، ص ۴۳۲؛ محمد حسین اعلمی حائری، تراجم اعلام النساء، ج ۱، ص ۲۳۸.
۳. برای نمونه رک: اصول کافی، ج ۲، ۴۷۸.

و گرمی بخشد».^۱ جایگاه مادری تأثیر بسزایی در جامعه پذیری فرزندان دارد. مادر آگاهانه یا ناآگاهانه، فرهنگ و تمدن، معرفت و ویژگی های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم، روح، خلق و رفتار خود به نسل بعد منتقل می کند. بنابراین، تداوم رشد و پیشرفت جامعه یا سکون و افول ارزش ها و فرهنگ ها، همگی در گرو جامعه پذیری نسل بعدی است که در دامن مادر پرورش می یابند.^۲

امام خمینی رحمه الله درباره اهمیت خانواده و منزلت شغل مادری، خطاب به زنان فرمود:

شما خانم ها شرف مادری دارید، که در این شرف از مردها جلو هستید.^۳ اگر یک انسان شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی توانم بیان کنم.^۴ شغل تربیت اولاد، شغل انبیاست؛ انبیا هم آمدند برای اینکه انسان درست کنند. این شغل اول شما هست، اول تربیت بچه.^۵ دامن های شما، دامن هایی است که انسان درست می کند. بچه هایی که از دامن مادر جدا شده اند و در پرورشگاه ها رفتند، این ها چون پیش اجنبی هستند و محبت مادر ندیده اند، عقده پیدا می کنند. این عقده ها منشأ همه، یا اکثر مفاسدی است که در بشر حاصل می شود.^۶ مادرها این بنا را بگذارند که بچه هایشان را خوب تربیت بکنند. محیط خانواده را جوری

۱. خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علی رضا حیدری، ص ۲۳۶.
۲. قاسم ابراهیمی پور، شاخص های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، ص ۲۲۶.
۳. امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۸۳.
۴. همان، ج ۸، ص ۹۰.
۵. امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۷، ص ۹۰ و ۹۱.
۶. همان، ج ۹، ص ۲۹۳.

اگر مادرت تو را
صدا زد، نمازت را
قطع کن.

بکنند که بچه قهراً در محیط خانواده خوب بار بیاید؛ یعنی محیط خانواده یک محیط محبت باشد، یک محیط اسلامی باشد.^۱ اساساً تربیت از دامن مادر و در جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود.^۲ این یک وظیفه انسانی و الهی است؛ یک امر شریف است؛ انسان درست کردن است.^۳ مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد.^۴ اگر مادرها، مادرهای با فضیلت باشند، اولاد با فضیلت تحویل می‌دهند. اولاد با فضیلت کشور را درست می‌کند. درست شدن کشور مرهون شماهاست. مرهون شما مادرها است. خرابی و آبادی کشورها تابع شماهاست.^۵

این بیان امام هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که مادری و مسئولیت‌های ناشی از آن، محور اساسی و بدون جایگزین در حرکت جامعه اسلامی و سلامت آن است و هر قدر به دانش و آگاهی و رشد و پیشرفت جامعه افزوده شود، باید این رکن، رفعتی بیشتر، و استحکام و استواری فزون‌تری بیابد.

مقام معظم رهبری درباره نقش و وظیفه مادر می‌فرماید:

یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل‌دادن و رعایت و دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و

۱. همان، ج ۸، ص ۳۶۳.
۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۴۵.
۳. همان، ج ۹، ص ۲۹۳.
۴. همان، ج ۷، ص ۳۳۹.
۵. همان، ج ۷، ص ۴۴۴.

فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بارآمده باشد. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد.^۱

۶. ویژگی‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی مادر

اگر مادری را موقعیتی وابسته به بارداری، زایمان و مراقبت از فرزند بدانیم،^۲ ویژگی‌های مادرانه در هر دو جنبه زیست‌شناختی و روان‌شناختی با نخستین بارداری پدید می‌آید. بنابراین پژوهش‌ها، احساس مادرانه پرورش و مراقبت از کودکان در نهاد همه زنان است که در عملکرد مجموعه‌ای ترکیبات شیمیایی مشترک در همه پستانداران ریشه دارد. این عملکرد با تغییرات در اندام‌های اختصاصی زنان مانند رحم همراه است.^۳

«استروژن» و «اکسی‌توسین»، هورمون‌هایی است که سبب بروز رفتارهای مادرانه می‌شوند. سطح این هورمون‌ها در طول زایمان و پس از آن، در مادران افزایش می‌یابد.^۴ هورمون «پرولاکتین» نیز برای همه جنبه‌های شیردهی لازم است.^۵ هورمون «پروژسترون» که هورمونی زنانه است، در پیدایش احساس صلح و آرامش زنان باردار نقش دارد.^۶

۱. بیانات رهبری در اجتماع زنان خوزستان، به تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.
۲. برخی، «مادری» را جلوه‌ای از ویژگی‌هایی مانند دلسوزی و مراقبت می‌دانند. در این صورت هر دختری، حتی اگر ازدواج نکرده باشد یا هر زنی حتی اگر فرزندی به دنیا نیاورده باشد، با ابراز این ویژگی‌ها موقعیت مادری را دارد. ر.ک: تونی گرنث، زن بودن، ص ۵۳؛ نقل از فریبا علاسوند، زن در اسلام، ج ۲، ص ۱۰۴.
۳. فریدون عزیزی، فیزیولوژی غدد ترشح داخلی، ص ۱۱۵.
۴. هلن فیشر، جنس اول، ترجمه نغمه صفاریان پور، ص ۱۰۹.
۵. هانا استون و آبراهام استون، پاسخ به مسائل جنسی و زناشویی، ترجمه طراز الله، ص ۷۵.
۶. مارگارت لی روی، سقط جنین، ترجمه پرویز پهلوان، ص ۲۱.

در همه دنیا زنان زمان بیشتری را برای مراقبت از نوزادان و کودکان (در آغوش گرفتن، ارتباط کلامی، آرامش بخشیدن و تربیت) صرف می‌کنند. هورمون «پرولاکتین» را هورمون «محبت مادری» می‌نامند.^۱ بر اثر آن، زن قدرت لازم برای هرگونه فداکاری درباره فرزندش را به دست می‌آورد. بنابراین همدلی کردن و شیوه مادری زنان به رغم توهم برخی، میراث نسل اولیه بشر نیست، بلکه امری ذاتی است.^۲ زنان همواره نماد نگاهدارنده بوده‌اند. این امور بر طبیعی بودن مادری صحه می‌گذارد.^۳

۷. آثار و فواید مادری

الف) تکامل شخصیت

فرزندان را با عواطف و تربیت صحیح بار بیاورید. در جهان کنونی، کام‌روایی و رسیدن به همه نیازهای مادی، نهایت کمال بشر است؛ درحالی‌که بشر افزون بر آن نیازها، نیازهای روحی و روانی بسیار دارد که حتی بر جسم نیز تأثیر می‌گذارد. حجت الاسلام قرائتی در این زمینه می‌فرماید: داشتن فرزند موجب تعالی زن می‌شود. تمام کمالات برای خانواده در بچه‌دار شدن نهفته است و بسیار اشتباه می‌کنند خانواده‌هایی که می‌گویند ما بچه‌دار نمی‌شویم تا به خوشی‌هایمان برسیم. در واقع این دسته از افراد معنای واقعی خوشی را نفهمیده‌اند! آنها اغلب خوشی را در مسافرت و رستوران رفتن می‌بینند. هر زمان عکس طاووس، کار طاووس را انجام داد، این‌گونه کارها هم می‌تواند کمبود و نبود خوشی بچه را جبران کند.^۴

۱. ویلیام اف گانونگ، کلیات فیزیولوژی پزشکی، ترجمه فرخ شادان، ج ۱، ص ۷۸۷.
 ۲. سیمون بارون کوهن، زن چیست، مرد کیست، ص ۲۳۱. این سخن رذایه‌گسائی است که معتقدند در طول تاریخ و براساس هم‌زیستی با موقعیت، زنان رفته‌رفته خلق مادرانه به دست آوردند.
 ۳. قریبا علاءوند، زن در اسلام، ج ۲، ص ۱۰۵.
 ۴. ماهنامه حلقه وصل (ویژه‌نامه نسل ششم انقلاب)، به نقل از محسن قرائتی، ص ۹۵.

مادران در قیاس با غیرمادران شخصیت تکامل یافته‌تری دارند. دلیل آن نیز توانایی‌های متعددی است که در خلال مراقبت از یک انسان، از دوره بارداری تا دوره‌های بالاتر، به دست می‌آورند.

یک) مسئولیت‌پذیری

مادران هم‌زمان با بارداری در خود احساس مسئولیتی ویژه می‌یابند. این احساس با زایمان و در مراحل رشد کودک گسترده می‌شود. مراقبت، حمایت، محبت، بازی و تربیت، سلسله اموری است که مادران در ارتباط با فرزندان خویش انجام می‌دهند.

دو) انعطاف‌پذیری

در همه موقعیت‌ها این مادر است که باید خود را با وضعیت جنین، بارداری، زایمان و مسائل پس از آن و نوزاد پیش‌بینی‌ناپذیرش هماهنگ کند. از اینجاست که ویژگی‌های بعدی پیدا می‌شوند. انعطاف‌پذیری یکی از آنهاست. هر انسان برای زندگی در فضای خانواده و اجتماع به حدی از انعطاف‌پذیری نیازمند است. انعطاف‌پذیری ناشی از واقع‌بینی، نتیجه‌های فراوانی دارد. مادری این صفت را به‌طور طبیعی برای زنان ایجاد می‌کند. والدین - به‌ویژه مادر - از زمانی که فرزنددار می‌شوند، برای مصالح خانواده و فرزندان، از خود عبور می‌کنند و در مسیر زندگی و تربیت فرزند، با انعطاف و صبوری از بسیاری از خواسته‌های شخصی چشم می‌پوشند و مصلحت خانواده و فرزندان را در نظر می‌گیرند. صبر و تحمل شیطنت‌ها و انعطاف

همدلی کردن و شیوه مادری زنان، امری ذاتی است.

در برابر کنجکاوی‌ها و رفتارهای کودک، افزون بر اینکه مایه آرامش خانه و خانواده خواهد شد، با روش الگوگیری، صبر و انعطاف را به کودک می‌آموزد.

سه) قدرت حل مسئله

ویژگی دیگری که زنان از مادری خود درمی‌یابند، دسترسی به راه حل‌های فوری حل مشکلات است. از آنجاکه خانواده نمی‌تواند عرصه مشاجرات و ناراحتی‌های طولانی مدت باشد، مادران همواره در پی یافتن راه حل‌های زودبازده برای مسائل فرزندان خویش‌اند. این ویژگی سبب می‌شود مادران همیشه میانجی خوبی در خانواده باشند. میانجی‌گری از ویژگی‌های مثبت در جامعه انسانی است؛ به ویژه زمانی که شخص در پی حل اختلاف اعضای خانواده یا گروه خویشاوندان باشد.

ب) تکامل اخلاقی

مادران کاری متمایز انجام می‌دهند که در برهه‌ای، مسئولیتشان با پدران تقسیم‌پذیر نیست. مسئولیت پرورشی مادران در دوره سی ماهه بارداری و شیردهی، به صورتی است که آنها هم در قبال تغذیه روحی و هم تغذیه جسمانی وظیفه‌ای دوچندان دارند.^۱ زنان طی مراحل مادر شدن، افزون بر دستیابی به ثواب سرشار، به کمالات روحی و معنوی نیز می‌رسند و صفات اخلاقی بسیاری در آنها رشد می‌کند. جنبه‌های معنوی همواره برای انسان‌ها شوق‌انگیز و رضایت‌آفرین بوده، مگر در موقعیتی که مادیات، پول و سرمایه

۱. رک: عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۱۳۶.

برای انسان‌ها بیش از حد اهمیت یابد. گاهی ساختارها، شرایط و تبلیغات به برتری امور مادی بر امور معنوی دامن می‌زند. در چنین حالتی، مادری زحمتی بی‌اجر به نظر می‌رسد؛ از این‌روست که روایت‌های اسلامی بر اهمیت مادری و بیان ابعاد معنوی و آثار اخروی آن بسیار تأکید دارند تا احساس رضامندی از مادران گرفته نشود و آدمیان از مادری زنان سود ببرند. برخی از ویژگی‌های اخلاقی که در نتیجه مادری کردن تکامل می‌یابد عبارت است از:

یک) حلم و بردباری

مادری انجام سلسله‌ای از کارها برای فرزندان است؛ بنابراین مادری با فرزنددارشدن معنا می‌یابد. همه کارهای مادر، در بستر رفتارهای اخلاقی مانند گذشت، بردباری و مدارا، گاهی با مهربانی و گاهی با سخت‌گیری انجام می‌شود. حلم و بردباری یکی از این ویژگی‌هاست. کنار آمدن با وضعیت بارداری، آن هم با افزایش روحیه نشاط و محبت‌گریزی، فراتر از تحمل است. تحمل کردن صرف، آدمی را می‌فرساید؛ ولی بردباری، رفتاری فعال است که انسان را هر لحظه در موقعیتی برتر قرار می‌دهد. شخص بردبار اختیار وضعیت را در دست گرفته، با پذیرش آن، موقعیت را برای پیشرفت و گام بعدی فراهم می‌کند.

دو) بخشندگی

توانایی بخشش از عالی‌ترین ویژگی‌های انسانی و الهی است. مادران با کودکانی که پیوسته در حال ارتکاب اشتباه‌اند، این فضیلت را تمرین

مادر بودن، موجب انعطاف‌پذیری زنان می‌شود.

مادران در قیاس با غیرمادران شخصیت تکامل‌یافته‌تری دارند.

می‌کنند. هرچه آدمی بیشتر ببخشد، اندوه انباشته شده کمتر می‌خواهد داشت و ضریب خشونت وی پایین می‌آید. البته به شرط آنکه بخشش با رضامندی همراه باشد. این‌گونه از بخشش همان است که در روایری با کودک رخ می‌دهد.^۱

۸. راهکارهای دینی برای تقویت نقش مادری

مادران، در مراقبت و تربیت کردن فرزندان، از دیگران (پدر، مادر بزرگ، اقوام، دایه، مربی و...) سزاوارترند؛ از این رو سپردن این امر به دیگران به بهانه‌های مختلف، عاقلانه نیست. دین اسلام با دسته‌ای از قوانین خود می‌کوشد نقش مادری را تقویت کرده، برای زنان اولویت داشتن این نقش، نسبت به فعالیت‌های دیگر را فراهم کند.

الف) مادر شدن، نعمت بزرگ الهی

از متون دینی به دست می‌آید میان زنان و مادری، رابطه‌ای طبیعی و غریزی هست. در روایات، دختران دلسوزتر، لطیف‌تر و آرامش بخش‌تر دانسته شده‌اند.^۲ رسول خدا ﷺ درباره زنی که با وجود گرسنگی تکه نانی که به او بخشیده بودند به فرزندان داد، فرمود: «مادران دلسوز و رحم‌دل به فرزندان‌شان‌اند».^۳ در روایتی، حضرت چهارویگی زنان را کنار هم نهاده، فرمودند:

۱. رویا منجم، زن، مادر، ص ۸۵.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۰.

۳. «والدات والهاث رحیمات بأولادهن...»، همان، ج ۲۰، ص ۱۷۶.

زنانی که باردار می‌شوند، می‌زایند، فرزندان خویش را شیر می‌دهند و مهربان‌اند، اگر در حق همسران‌شان کوتاهی نکنند و نماز گزارند، وارد جهنم نمی‌شوند.^۱

مادران از دیگران حتی از پدر، سزاوارتر به فرزندان دانسته شده‌اند^۲ یا گفته شده مدارا آمیزتر است که کودک را با مادرش رها کنیم که او را شیر دهد و نگهداری کند.^۳

در برخی روایت‌ها تأکید شده است هیچ شیری بهتر از شیر مادر برای کودکش وجود ندارد.^۴ روایاتی این‌گونه، افزون بر آنکه حاکی از فایده‌های زیستی تغذیه با شیر مادرند، به این واقعیت نیز اشاره دارند که تغذیه با شیر مادر می‌تواند فرزند را از نظر عاطفی و روانی تأمین کند؛ به عبارت دیگر، زمانی که مادر فرزند خود را شیر می‌دهد، از غریزه مادری، محبت آمیخته با آن و برکات تماس بدنی نیز فرزندش را بهره‌مند می‌کند؛ از این رو در روایت آمده است هر شیری به فرزند نوشانده شود، از شیر مادرش بابرکت‌تر نیست.^۵ برکت به فایده‌های کمی یا کیفی بسیاری اشاره دارد که بر یک کار مترتب می‌شود. بنابراین هم از نظر ویژگی‌های روانی و هم از نظر قوای بدنی، زنان برای مادری آماده‌اند.

در کنار این اشارات، شریعت اسلامی نه تنها از تقسیم مسئولیت میان پدران و مادران درباره فرزندان نهی نکرده، بلکه آن را تأیید، و بر آن تأکید کرده است. بنابر فقه اسلامی، نگهداری فرزند (حضانت) در سال‌های آغازین عمر کودک بر عهده

۱. همان، ص ۱۷۵.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۹۲.

۳. «والدات والهاث رحیمات بأولادهن...»، همان، ج ۲۰، ص ۱۹۱.

۴. «لیس للرضی خیر من لبن اُمّه»، همان، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

۵. «ما من لبن رضع به الصبی اعظم برکة علیه من لبن اُمّه»، همان، ص ۱۷۵.

حلم و بردباری یکی از نتایج مادری کردن است.

مادران، و در سنین بالاتر بر عهده پدران است.^۱ البته بنابر سیره معصومان (علیهم السلام) بهتر است والدین در این باره تا حد امکان با هم همکاری کنند.^۲

رابطه طبیعی ای که میان مادر و فرزند در اثر بارداری، زایمان و شیردهی رخ می دهد، تجربه ای منحصر به زنان است؛ رابطه میان آنان و فرزندان، ارتباطی عمیق و متفاوت از ارتباط فرزندان با پدرانشان است. این ارتباط طبیعی با آنچه در سیره حضرت زهرا (علیها السلام) درباره توجه دقیق ایشان به نگهداری از فرزندان دیده شده، تحکیم می شود. از القاب آن حضرت «حانیه» به معنای «زن دلسوز و مشفق» است.^۳ روایت های اسلامی از کوشش بی دریغ آن بانو در انجام وظایف گوناگون مادری در قبال فرزندان - مانند غذا خوراندن به دو کودک در آن واحد و بازی دادن آنان^۴، کوشش برای اجرای عدالت در رفتار با آنان^۵ و حتی تلاش در راه آرام کردن فرزندان گرسنه ای که دو روز غذا نخورده بودند - خبر می دهند.^۶

دقت و توجه کامل برای انجام وظایف گوناگون مادری، کار آسانی نیست. ثواب های فراوان اخروی و پاداش های روانی دنیوی، به ویژه احساس رضایت، انگیزه قوی مادران برای ایفای بهتر این نقش است.^۷

زنانی که به وظیفه خویش عمل کنند، جهنم نمی روند.

ب) پاداش فراوان

خدایوند سختی های سه گانه (بارداری، زایمان و شیردهی) و سپس شکیبایی در راه بزرگ کردن فرزند را پاس داشته است. در روایت ها برای همه زحمت ها ثواب های بی پایان بازگو شده است. برای نمونه، زن باردار بسان انسان روزه دار، شب بیدار و مجاهد در راه خدا معرفی شده، که وقتی حمل خود را بر زمین می گذارد اجری درک ناشدنی دریافت می کند؛ هنگامی که فرزند خود را شیر می دهد در ازای هر مکش، ثواب آزاد کردن بنده ای از اولاد اسماعیل نبی (علیه السلام) را به دست می آورد؛^۱ بیماری فرزند نیز کفاره گناه، و تحمّل آزارهای کودکان سبب استغفار برای مادر است.^۲ اگر پدر نیز با مادر همراهی کند، از همین برکت بهره مند می شود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

زنی که از شوهرش باردار می شود تا هنگام زایمان، زیر سایه خدای متعال قرار دارد و وقتی که درد زایمان می گیرد، برای هر دردی که می کشد ثواب آزاد کردن بنده مؤمنی را خواهد داشت و پس از به دنیا آمدن فرزند، وقتی به او شیر می دهد خدای متعال برای هر بار مکیدن، نور درخشانی در روز قیامت به او عنایت می فرماید و درخشش این نور، همگان را به تعجب و ا خواهد داشت و خدای متعال این زن را جزو زنانی که روزها را روزه و

۱. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): هرگاه زن باردار شود همانند روزه دار و نمازگزار و مجاهدی است که با جان و مالش در راه خدا می جنگد و هرگاه زایمان کند، بزرگی پاداش وی را هیچ کس نمی داند و گاه شیر می دهد، هر مرتبه مکیدن کودک برابر است با آزاد ساختن برده ای از فرزندان اسماعیل و هرگاه از شیردهی فارغ می شود فرشته بزرگواری به پهلویش می زند و می گوید: خدا تو را آمرزیده است؛ کارت را از نو آغاز کن. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۵۱ و ج ۱۵، ص ۱۷۵.

۲. همان، ص ۲۱۱.

۱. برای نمونه، رک: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۸۴ و ۱۸۷.

۲. احمد بن عبدالله طبری، ذخایر العقبی، ص ۴۹. در این باره شواهدی از سیره حضرت زهرا و حضرت علی (علیهم السلام) وجود دارد.

۳. عبدالله بحرانی، عوالم العلوم والمعارف والاحوال، ج ۱۱، ص ۹۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۵۰۴.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۸۶.

۵. عبدالله بحرانی، عوالم العلوم والمعارف والاحوال، ج ۱۱، ص ۲۷۲.

۶. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۲۵۷.

۷. قریبا غلاسوند، زن در اسلام، ج ۲، ص ۱۰.

برای فرزندان بایکتر از شیرمادر وجود ندارد.

شب‌ها را شب‌زنده‌داری مشغول بودند، به شمار خواهد آورد و ثواب روزه و اجر شب‌زنده‌داری یک عمر را در نامه عمل او خواهد نوشت و آن هنگام که به فرزندش شیر می‌دهد خدای متعال به او می‌فرماید: ای زن گناهان گذشته تو آمرزیده شد پس زندگی را از نو شروع کن و خدای عز و جل تو را مورد رحمت خود قرار داده است.^۱

هنگامی که رسول خدا ﷺ درباره جهاد در راه خدا صحبت می‌کردند، زنی پرسید:

ای رسول خدا برای زن جهاد نیست؟ فرمودند: چرا. زن از وقت حامله شدن تا زاییدن و تا بچه را از شیر گرفتن، ثواب مجاهد در راه خدا را دارد و اگر در این بین بمیرد مقام شهید را دارد.^۲

بنابراین، تشویق، سپاس‌گزاری و قراردادن ثواب فراوان برای انجام وظایف مادری، راهی برای تقویت آن است. اگر برنامه‌ریزان اجتماعی با الهام از این آموزه‌ها، بکوشند برای مادری تشویق‌ها و حمایت‌هایی قرار دهند، از تحقیر آن جلوگیری می‌کنند؛ چه اینکه تحقیر یک نقش به تضعیف و روی‌گردانی از آن می‌انجامد؛ زیرا هر انسانی باید از انجام نقش خود احساس رضامندی کند. تحقیر، این احساس رضایت را مخدوش می‌کند.^۳

۱. رسول خدا ﷺ: «ما من امرأة تحمل من زوجها ولد إلا كانت في ظل الله عز وجل حتى يصيها الطلق يكون لها بكل طلفة رقية مؤمنة فإذا وضعت حملها وأخذت في رضاعه فما يمص الولد مصة - من لبن أمه - إلا كان بين يديها نوراً ساطعاً يوم القيامة يعجب من رآها من الأولين والآخرين وكتبت صائفة قائمة وإن كانت مظطربة وكتب لها صيام الدهر كله وقيامه. فإذا فطمت ولدها قال الحق - جل ذكره - : يا أيها المرأة - قد غفرت لك ما تقدم من الذنوب. فاستأنى العمل رحمة الله». میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۵.

۲. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۴.

۳. فربیا علاسوند، زن در اسلام، ج ۲، ص ۱۰۸.

پ) احترام ویژه برای مادر

راهکار دیگر، توصیه اکید به فرزندان برای احترام به والدین است. در این باره متون فراوانی هست؛ برای نمونه، امام رضا علیه السلام در پاسخ به پرسش‌هایی درباره مسائل دینی فرمودند:

خداوند عقوق (و آزار) والدین را حرام کرد؛ زیرا آزاررسانی به والدین سبب کمی نسل و حتی انقطاع آن می‌شود. عقوق والدین به بی‌احترامی به جایگاه آنان و بی‌رغبتی آنان به فرزنددار شدن و ترک تربیت فرزند می‌انجامد. بسا که [احتمال می‌دهند] فرزند به آنان بی‌احترامی خواهد کرد.^۱

بنابراین برای آنکه فرزندآوری و مادری (و به‌طور عام والدگری) ترک نشود، دین، فرزندان را به احترام به والدین واداشته است.

ت) فرزندآوری ملاک انتخاب همسر

در متون دینی، فرزندآوری یکی از ملاک‌های انتخاب همسر دانسته شده است. در اهمیت فرزندآوری همین بس که پیامبر گرامی اسلام ﷺ هنگامی که فضائل زنان را بر می‌شمارد، بهترین زنان را زنان ولود و زایا می‌داند و زنان سیاه زایا را، از زنان زیبای نازا محبوب‌تر می‌شمارد و توصیه می‌کند که با زنان بکرو زایا، پیوند زناشویی برقرار کنید و از ازدواج با زنان زیبا و نیکو صورت که عاقر و نازایند، بپرهیزید؛ چه اینکه من در روز قیامت به کثرت اتمم مباحات خواهم کرد.^۲

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۱۸.

۲. رسول خدا ﷺ: «تزوجوا بکراً ولوداً ولا تزوجوا حسناً جمیلة عاقراتی أباهی بکم الایم يوم القيامة». محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۳۴.

شیردادن به فرزند موجب آموزش گناهان گذشته مادر می‌شود.

ث) حمایت و تأمین مالی مادر

در قرآن کریم، بر تأمین مالی مادران، به ویژه در دوران شیردهی تأکید شده است: و مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می دهند. این حکم برای کسانی است که بخواهند دوران شیرخوارگی را تکمیل کنند و خوراک و پوشاک مادران در حد متعارف بر دوش پدر کودک است.^۱

این حکم مادران را آسوده تر می کند تا وظایف خود درباره فرزند را بهتر انجام دهند. همچنین وظیفه شرعی پدران در تأمین مالی فرزندان، به تحکیم جایگاه مادری می انجامد. بخشی از روایات ها نیز از توجه پیامبر ﷺ به رابطه مادران و فرزندان و مسائل میان آنان حکایت دارند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

روزی رسول خدا دو رکعت پایانی نماز ظهر را سریع تر و با آداب کمتری به جای آوردند تا نماز زودتر تمام شود. پس از نماز، اصحاب پرسیدند: «آیا پیشامدی رخ داده که دو رکعت پایانی را سریع تر برگزار کردید؟» رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا شما صدای ضجه کودک را نشنیدید؟»^۲ این مسئله اگرچه از حکایت گر رحم و دلسوزی پیامبر ﷺ در قبال کودکان است، همچنین نشانگر توجه پیامبر به مراقبت از کودک و نگرانی های مادر برای فرزند گریان است.^۳

۱. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْعِمَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» بقره (۲)، ۲۳۳.
۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۸.
۳. فریبا علاءوند، زن در اسلام، ج ۲، ص ۱۰۹.

ج) مادر، بهترین گزینه برای فرزند

عقد ازدواج کارکردها و اهداف گوناگونی دارد که همسری و برقراری روابط زناشویی یکی از کارکردهای اصلی و فرزندآوری مهم ترین مقصد طبیعی آن است. بنابراین همسری و مادری دو نقش اصلی و اولویت دار برای زنان است. همسری در جای خود اهمیت بالایی دارد؛ اما به حکم طبیعت، زنان پس از به دنیا آوردن فرزند، بهترین گزینه برای مراقبت از اویند. شیر مادران بهترین غذا، و شکیبایی حاصل از رابطه عمیق عاطفی آنان با کودکانی که به دنیا آورده اند، بهترین ظرفیت برای مراقبت از فرزندان شان است. در سیره حضرت فاطمه علیها السلام آمده است: هرگاه کسی می خواست در امور منزل به ایشان کمک کند، حضرت کار پخت و پز را به او می سپرد و خود به فرزندانشان رسیدگی کرده، می فرمود: «من به حال فرزندانم مدارای بیشتری دارم و مهربان ترم».^۱ تجربه نیز نشان داده است، اغلب کودکانی که در دامن مادران خود بارور شده اند، به مراتب بهتر و سالم تر از کودکانی اند که در مهدکودک ها رشد کرده اند. برخی پژوهشگران، مهدکودک های طولانی مدت را وضعیتی پرخطر برای کودکان و در نتیجه، برای کل جامعه می دانند. آنها معتقدند رابطه کودک و مادر رابطه ای تعاملی است که رفتار و فیزیولوژی کودک را از آغاز تولد شکل داده، آن را تنظیم می کند؛ مسائلی مانند شمار ضربان قلب، سطح آنزیم هورمون رشد، تا تنظیم حرارت بدن، کارایی سیستم دفاعی بدن و وضعیت روانی ذهن.^۲

۱. عبدالله البحرانی، عوالم العلوم المعارف والاحوال، ج ۱۱، ص ۳۵۶.
۲. ربک، ویلیام گاردنر، جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، ص ۲۲۴.

با زنان بکرو زایا ازدواج کنیـد.

حامله شدن، زاییدن و شیردهی ثواب مجاهدت در راه خدا را دارد.

انجام نقش خانه‌داری، به‌ویژه با توجه به سیره معصومانۀ حضرت زهرا (علیها السلام) در به کار گرفتن خدمتکار و حتی وجوب استخدام خادم - در صورتی که شأن زن اقتضای آن را داشته باشد - در برابر نقش مادری اولویت ندارد؛ اگرچه فعالیت زن در امور خانه‌داری که سبب نشاط خانه و خانواده می‌شود، مسئله‌ای پسندیده است و ثواب فراوان دارد. ورود در عرصۀ اجتماع و کسب و کار نیز هرچند برای زنان مباح است، در برابر شأن مادری اولویت ندارد. در روپکرد اسلامی، زنان وظیفه‌ای جهت درآمدزایی برای خانواده بر دوش ندارند و به جز در موارد استثنایی، از ایفای فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی معاف‌اند.^۱

۹. مشق‌های فرزندآوری

در منابع دینی انگیزه‌های فراوانی برای تمایل زن و شوهر به فرزندآوری بیان شده است؛ انگیزه‌هایی که در کنار تأمین نیازهای فردی آنها، به بقای نسل بشر و بازتولید جامعه توحیدی نیز کمک می‌کند. مجموع این انگیزه‌ها را می‌توان در چارچوب نیازمندی انسان‌ها به توانمندی در زندگی، نیاز به جاودانگی، نیاز به آرامش دل و نیاز به امور معنوی، آمرزش الهی و سعادت، دسته‌بندی کرد:

الف) توانمند شدن

تنهایی و بی‌کسی، انسان را به شدت دل‌تنگ کرده، قلبش را می‌فشارد و چه بسا او را از پا درآورد. در دوران پیری که نیاز بیشتری به همدم و همراهی

۱. قریباً علاسوند، زن در اسلام، ج ۲، ص ۱۱۲.

نزدیک دارد، بسیار شایق است فرزندی داشته باشد که از دیدارش خوشحال و از مصاحبتش دلگرم و از یاری‌اش بهره‌مند شود. چنین فرزند صالحی که پدر و مادر را در برطرف کردن نیازهای مادی و عاطفی‌شان کمک کرده، در اطاعت خدا و انجام عمل صالح یاری رساند، مایۀ خوشبختی است. امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «از موجبات خوشبختی مرد این است که فرزندی مددکار داشته باشد».^۱

خداوند به این نیاز فطری و حیاتی انسان که انگیزه قوی فرزندخواهی است، پاسخ مثبت داده، مددکارانی به او عطا می‌کند. قرآن می‌فرماید: «و [خداوند] از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگان خلق فرمود».^۲ همچنین قرآن کریم فرزندان را وسیله توانمندی انسان دانسته، می‌فرماید: «شما را به وسیله فرزندان فراوان، کمک و امداد کرد»؛^۳ «و شما را بر آنها چیره می‌کنیم و شما را به وسیله دارایی‌ها و فرزندی کمک خواهیم کرد و شما را بیشتر می‌کنیم».^۴ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «از سعادت مرد داشتن فرزندی است که از آنها یاری بجوید».^۵ بنابراین، فرزند یاری‌رسان والدین بوده، سبب توانمندی و کسب قدرت است که به هنگام نیاز، از والدین حمایت و مراقبت می‌کند.^۶

۱. «من سعادة الرجل أن يكون له ولد يستعين به». محمدبن حسن حرعالمی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲.

۲. نحل (۱۶)، ۷۲: «وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً».

۳. شعراء (۲۶)، ۱۳۳: «أَمْذَكُم بَأْتَعَامٍ وَبَنِينَ». نوح، ۱۲: «وَنُفِثْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلَ لَكُم جَنَاتٍ وَجَعَلَ لَكُم أَنْهَارًا».

۴. اسراء (۱۷)، ۶: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا».

۵. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۹۲.

۶. قاسم ابراهیمی پور، شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، ص ۴۷۴.

زنان پس از به دنیا آوردن فرزند، بهترین گزینه برای مراقبت از اویند.

ب) استمرار یاد و نام و نسل

انسان میل به جاودانگی دارد، همواره دوست دارد از طریق فرزند، نام و یادش ادامه یابد و از اینکه نسلش قطع شود نگران است، خداوند می فرماید:

این یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده اش زکریا که گفت: پروردگارا! استخوانم سست شده؛ شعله پیری تمام سرم را فراگرفته، من هرگز در دعای تو از اجابت محروم نبوده ام، من از بستگان پس از خودم بیمناکم؛ همسرم نازا و عقیم است؛ تو از نزد خود جانشینی به من ببخش که وارث من و دودمان یعقوب باشد و او را مورد رضایت قرار ده! ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می دهیم که نامش یحیی است و پیش از این، همانمی برای او قرار نداده ایم.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: «هیچ یک از شما نباید فرزندخواهی را واگذارد؛ زیرا وقتی انسان بمیرد و فرزندی نداشته باشد، از نام و آوازه می افتد و از یاد می رود».^۲ امام رضا علیه السلام می فرماید: «وقتی خداوند به بنده اش خیری دهد، نمی میرد تا فرزند خود را ببیند».^۳ ابی بکر بصری خدمت امام صادق علیه السلام عرض می کند: «از خانواده ای هستم که منقرض شده اند و من تنها بازمانده آنهایم و فرزندی ندارم، حضرت می فرماید: در سجده این دعا را بخوان: خداوند مرا ذریه ای پاک عنایت کن که تو شنوا و پاسخ گوئی، بارخدا یا مرا

ورود در عرصه اجتماع و کسب و کار در برابر شأن مادری اولویت ندارد.

تنها (و بدون وارث) نگذار که تو بهترین وارثانی. او این دعا را می خواند و صاحب دو فرزند می شود.^۱ رسول اکرم ﷺ فرمود: «فرزند بخواهید که نور چشم و ریحانه دل است و از زن عجوزه و نازا بپرهیزید».^۲

وقتی فرزند نیکی از کسی به یادگار می ماند، مردم از والدینش به نیکی یاد می کنند و بر آنان درود می فرستند. به عبارت دیگر، فرزند صالح، یاد و نام پدر و مادر را زنده نگه می دارد. چنانچه حضرت امیر علیه السلام می فرماید: «فرزند شایسته نیکوترین دو یاد است»؛^۳ یعنی اسباب به نیک یاد کردن از کسی دو چیز است: یکی فرزند صالح که از او باقی بماند و دیگر، دیگر اسباب آن؛ ولی فرزند صالح نیکوتر از همه آن هاست.

پ) برکت منزل و پاداش معنوی

رسول خدا ﷺ فرمود:

کسی که دختر بچه خود را شادمان کند، مانند کسی است که بنده ای از فرزندان اسماعیل ذبیح، آزاد کرده باشد، آن کس که پسر بچه خود را شاد و دیده او را روشن کند، مانند کسی است که دیده اش از ترس خداوند گریسته باشد.^۴ آن کس که فرزند خود را ببوسد حسنه ای در نامه عمل او ثبت خواهد شد و آن کس که فرزند خود را شاد کند خداوند او را در قیامت شادمان می کند.^۵

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ترجمه میرباقری، ج ۱، ص ۴۳.

۲. همان، ص ۲۱۴.

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۰۷.

۴. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ترجمه میرباقری، ص ۱۱۴؛ مرتضی فرید تنکابنی، الحدیث، ترجمه محمدتقی فلسفی، ج ۳، ص ۸۰.

۵. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ترجمه میرباقری، ص ۱۱۴؛ مرتضی فرید تنکابنی، الحدیث، ترجمه محمدتقی فلسفی، ج ۳، ص ۸۰.

۱. مریم (۱۹)، ۴، ۲-۷: «ذَكَرَ رَحِمْتَ رَبَّكَ عَبْدُكَ زَكْرِيَّا... قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِن وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِن لَّدُنْكَ وَلِيًّا، يَرْبُّنِي وَأَعْلِمَ مَنَ الْآلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَحِيمًا، يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مَن قَبْلُ سُمِّيًّا».

۲. سلیمان بن احمد طبرانی، معجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۱۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۸۱، ج ۴۴۶۹.

۳. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۹.

داشتن فرزند، مایه سعادت انسان است.

پدري که با نگاه مهربانش فرزند خود را شاد می‌کند، خداوند به او پاداش آزاد کردن یک بنده عنایت می‌فرماید.^۱

خانه‌ای که دو فرزند در آن نباشد برکت در آن خانه وجود ندارد.^۲
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مردی که نسبت به فرزند خود محبت بسیار دارد، مشمول رحمت و عنایت مخصوص خداوند بزرگ است.^۳

نیکی کردن به فرزند، مانند نیکی کردن به پدر و مادر است.^۴
بنابراین، وجود فرزند خیر و برکت است و در صورتی که والدین به وظایف خود عمل کنند، بهره‌ای فراوان از وجود فرزند خواهند برد.^۵

ت) شفاعت و مغفرت اخروی

نقل است وقتی امام سجاد علیه السلام شنید حسن بصری گفته است: بدترین چیز، فرزند است؛ اگر زنده بماند فقیرم می‌کند و اگر بمیرد مرا تباه می‌کند، فرمود: «دروغ گفته است. به خدا قسم فرزند بهترین چیز است؛ اگر زنده باشد در حق پدر و مادرش دعا می‌کند، اگر بمیرد شفيعی است که پیشاپیش رفته است».^۶ همان‌طور که آبرومندانی چون اهل بیت علیهم السلام به اذن خدا، پیروان و دوستان خود را شفاعت می‌کنند، فرزند نیز می‌تواند والدین خود را شفاعت کند، حتی اگر سقط شده باشد.^۷

وقتی خدا به بنده‌اش خیری دهد، نمی‌میرد تا فرزندش را ببیند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

عیسی بن مریم از کنار قبری گذشت که صاحب آن در عذاب بود. سال دیگر از همان‌جا گذشت و عذابی در کار نبود. گفت خداوند سال اول صاحب قبر را در عذاب دیدم؛ اما اینک راحت است. وحی آمد: او فرزند صالحی داشت که یتیمی را پناه داد، به همین دلیل او را آمرزیدم.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

میراث خدا برای بنده مؤمن فرزندی است که پس از او خدا را بپرستد.^۱
فرزند جگر مؤمن است؛ اگر پیش از او بمیرد شفيع خواهد شد و اگر پس از او بمیرد برای والدین خود آمرزش می‌خواهد و خدا آنها را می‌آمرزد.^۲
چه خوب فرزندان آن دختران پوشیده و پرده‌نشین، هر که یک دختر داشته باشد، خداوند او را همچون سپری از آتش برایش قرار می‌دهد، هر که دوتا داشته باشد، خداوند او را به واسطه آنها به بهشت برد، اگر سه تا داشته باشد، یا سه خواهر، جهاد و صدقه (زکات) از او برداشته است.^۳
بنابراین وجود فرزند، اعمال صالح فرزند و دعای او همگی سبب آمرزش والدین است.^۴

ث) دلخوشی در بهشت

مؤمنان که از منظر معنویت به زندگی می‌نگرند، همسر و فرزندان را نعمت و رحمت الهی دانسته، به آنان بسیار علاقه دارند. دوست دارند همان‌طور که

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴.

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسایل، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۳. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۹۹.

۴. قاسم ابراهیمی پور، شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، ص ۴۷۷.

۱. همان.

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۳۷۴.

۳. شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۰۱.

۴. همو، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۳.

۵. قاسم ابراهیمی پور، شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، ص ۴۷۶.

۶. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۳۲، ۱۶؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسایل، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۷. ر.ک: المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، ص ۲۲۲، ذیل آیه ۴۸ بقره.

سوالات مسابقه ی کتابخوانی «دانه های یاقوت»

به مناسبت بزرگداشت «هفته ملی جمعیت» ۱۴۰۳ ویژه عموم مردم شهرستان دزفول

از فصل ۲ و ۴ کتاب «چند دانه یاقوت» - نویسنده: سید عباس ساطوریان

الف- زمان اصلی رشد و تربیت کودک همان است.

۱- سال اول زندگی ۲- دو سال اول زندگی ۳- سه سال اول زندگی ۴- چهار سال اول زندگی

ب- کدام گزینه جزو ویژگیهای فردی عاطفی تک فرزندی به شمار می رود؟

۱- سازگاری کمتر / ترس از طرد ۲- امید و رضایت از زندگی کمتر / سازگاری کمتر
۳- سازگاری کمتر / مشکلات رفتاری و روحی ۴- ترس از طرد / احساس گناه

ب- کدام گزینه جزو ویژگیهای فردی شناختی چند فرزندی می باشد؟

۱- هوش معنوی بالاتر ۲- استقلال فکری
۳- هوش هیجانی بالاتر ۴- تمام موارد

ت- فرزندخواهی یک میل است و لذت انسان از داشتن فرزند، لذتی است.

۱- ذاتی - جسمی ۲- فطری - روحی ۳- روحی - جسمی ۴- انسانی - روحی

ث- بر اساس فرمایش حضرت محمد (ص)، خانه ای که در آن نیست، تهی از برکت است.

۱- پدر ۲- مادر ۳- فرزند ۴- پدر بزرگ و مادر بزرگ

ج- از اهداف مهم تشکیل خانواده است.
۱- فرزندآوری سالم ۲- پذیرش نقش پدر و مادری ۳- احترام به والدین ۴- تربیت فرزند

چ- درخشان ترین و برجسته ترین نقش یک زن در پهنه هستی است.

۱- اشتغال ۲- همسری ۳- مادری ۴- تمام موارد

ح- همدلی کردن و شیوه مادری زنان امری است.

۱- انسانی ۲- ذاتی ۳- قلبی ۴- روحی



پاسخ سوالات مسابقه، به ترتیب و بصورت یک عدد ۸ رقمی به همراه نام

و نام خانوادگی و سن حداکثر تا ۱۴۰۳/۳/۴ به شماره پیامک

۱۰۰۰۰۰۰۸۶۴۲ ارسال گردد.

در دنیا با آنها بوده، و از همنشینی و دیدارشان مشعوف شده اند، در آخرت نیز در کنار هم باشند و چشمانشان به دیدار فرزندان روشن شود. خداوند این خواست اهل ایمان را برآورده می کند و فرزندی را که از نظر ایمان با آنان سنخیت دارند، گرچه به درجه پدران نرسند، به آنها ملحق می کند. قرآن کریم می فرماید:

و کسانی که ایمان آورده و فرزندانشان در ایمان از آنان پیروی کرده اند، فرزندانشان را هرچند ایمانشان کمتر باشد در درجات بهشت به آنان ملحق می کنیم تا مایه سرورشان شود و هرگز از پاداش پدران نمی کاهیم.^۱

■ نیکی کردن به
فرزند، مانند
نیکی کردن به
پدر و مادر است.

ج) خوشبختی و سعادت

فرزند مایه خوشبختی خانواده است و از سعادت افراد است که فرزند یا فرزندی داشته باشند که در اخلاق و رفتار و شکل، ظاهری شبیه آنها داشته باشند.^۲ از آیات و روایات استفاده می شود فرزندان مواهب و نعمت های خداوندی به والدین اند.^۳

۱. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ». طبر (۵۲)، ۲۱۰.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹۵.

۳. هود (۱۱)، ۲۷؛ واقعه (۵۶)، ۱۷. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۳۳؛ کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۳.